

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۸۵

جمعه ۲۰ مهر ۱۳۹۷، ۱۲ اکتبر ۲۰۱۸

## به مناسبت ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه مجازات اعدام بهرز مهرآبادی

دو روز پیش ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام بود. ۲۴ سال قبل منصور حکمت "لغو مجازات اعدام" را بعنوان یکی از بندهای برنامه حزب کمونیست کارگری نوشت. او در نوشته ها و سخنرانی های خود از اعدام بعنوان قتل عمد دولتی نام برد. در آن زمان برای کمتر کسی قابل تصور بود که این بند چه تأثیرات سیاسی و اجتماعی عمیقی در ایران خواهد گذاشت برای پیشبرد این بند از برنامه حزب بود که کمیته بین المللی علیه اعدام بوجود آمد و کمپین بزرگی را آغاز شد که زندگی بسیاری را نجات داد و وحشی ترین حکومت قرن حاضر را ناچار به عقب نشینی های بسیار کرد. از جمله مجبور شد سنگسار یعنی جنایتکارانه ترین نوع اعدام را در عمل پایان دهد. جمهوری اسلامی اعدام از همان اولین روزهای به قدرت رسیدن دست به کشتار مخالفین خود زد. در آن دوران جرایمی همچون خواندن و یا به همراه داشتن یک کتاب و یا یک اعلامیه، پوشیدن کفش ورزشی و به همراه داشتن کاندوم از جمله جرایمی بود که به مقتولین و یا اعدام شدگان نسبت داده میشد و بهانه هایی برای صدور احکام قتل های سیاسی در محاکمات چند دقیقه ای رژیم بود. اعدام هایی هم که الان انجام میشود حتی کشتن افراد غیر سیاسی نظیر متهمین به قاچاق مواد مخدر یا نظیر آنها نیز بدون رعایت کمترین ضوابط و معیارهای قضایی و حقوقی پذیرفته شده در جهان است این "اعدام" ها به قصد ایجاد رعب و وحشت در جامعه انجام میشود و حکومت اسلامی هر زمان که در مقابل مبارزات مردم در موضع ضعف قرار میگيرد، دست به انجام "اعدام" می زند.

در زمان تصویب برنامه حزب و بعد از آن بسیاری از احزاب و شخصیت های سیاسی حتی کسانی که خود را سوسیالیست میدانند، این بند از برنامه را غیر قابل قبول و اعدام را یک امر بدیهی و حتی لازم می انگاشتند و بعضی مجازات اعدام را برای "جرایم" غیر سیاسی تأیید می کردند. اما امروز کمپین "علیه اعدام" نه تنها به بخش جدایی ناپذیر و یک خواست مهم در مبارزات جنبش پیشرو و مترقی مردم علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده بلکه در برنامه بسیاری از احزاب و شخصیت های سیاسی نیز گنجانده شده است. برای چندین سال "مجازات اعدام" مهمترین سوالی بود که در مقابل احزاب و گروهها و شخصیت های سیاسی قرار داده شد و اکثریت آنها ناچار به پاسخگویی و نفی مجازات اعدام شدند و تعدادی از آنها ها اعدام را قتل عمد دولتی مینامند. این پیروزی برای جنبش علیه اعدام اهمیت زیاد دارد. مخالفت با اعدام چهره انسانی و مدرن انقلاب آتی مردم ایران را به جهانیان نشان میدهد.

نمی توان از مبارزه با اعدام و سنگسار صحبت کرد و از تلاش های کمیته بین المللی علیه اعدام و

صفحه ۷

## اعتصاب بازاریان و چشم انداز اعتصاب عمومی

مصاحبه با حمید تقوایی

صفحه ۲

### بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

شہلا خباززاده: نوبل صلح و جنبش ضد خشونت علیه زنان

حسن صالحی: سونامی بیسوادی در ایران

شهاب بهرامی: باز هم عمو فرانسیس

صفحه ۴

## کارگران در هفته ای که گذشت

صفحه ۵

شہلا دانشفر

## فرشگرد فوق ارتجاعی و ضد مردمی است

صفحه ۶

اصغر کریمی

## چرا باید از اعتصاب سراسری کسبه و بازاریان در ایران دفاع کرد؟

صفحه ۸

محمد آسنگران

## تصویب لایحه "مقابله با تامین مالی تروریسم" خامنه ای جام زهر دیگری سرکشید!

صفحه ۱۰

عبدل گلپریان

### اطلاعیه ها:

## اعتصابات سراسری آغاز دور تازه تعرض جامعه علیه حکومت اسلامی

صفحه ۳

اطلاعیه شماره ۱۶: هجدهمین روز اعتصاب قدرتمند رانندگان کامیون

اطلاعیه شماره ۱۵: گسترش اعتصاب رانندگان کامیون به ۳۲۰ شهر

اطلاعیه شماره ۱۴: اعتصاب رانندگان کامیون به ۳۱۰ شهر رسید

صفحه ۱۱

بمناسبت دهم اکتبر روز جهانی علیه اعدام: جهان باید از بربریتی به

صفحه ۳

اسم اعدام رها شود!

زانبار دباغیان فعال کارگری باید فوراً آزاد شود

صفحه ۱۳

کمپین نجات هوشمند علیپور: ادامه بازداشت هوشمند در اطلاعات

صفحه ۱۳

سنندج و عدم دسترسی به وکیل

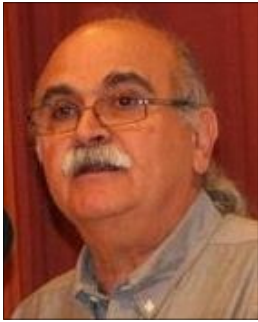
گزارش و عکس از سومین روز حضور در نمایشگاه جهانی کتاب

فرانکفورت جمعه ۱۲ اکتبر ۲۰۱۸

صفحه ۱۴

# اعتصاب بازاریان و چشم انداز اعتصاب عمومی

مصاحبه با حمید تقوایی



باید حکومت سرنگون بشود و به این اعتبار هر چه خواسته‌ها و اهداف اعتراضات و اعتصابات رادیکال‌تر و جامع‌تر و ناظر بر تغییرات همه جانبه‌تر و عمیق‌تری در وضع موجود باشند در سرنگون کردن حکومت و تغییر بنیادی وضع موجود کارآتر و موفق‌تر خواهند بود. اعتصابات همزمان مردم ممکن است حول خواسته‌های متعدد و متنوعی شکل بگیرد اما اگر این خواسته‌های متفاوت علیه تبعیضات و بیحقوقیها باشند و خواسته‌ها اهداف برحق و انسانی بخشهای مختلف جامعه را منعکس کنند تنوع آنها نشاندهنده نقطه قوت و همه‌جانبگی مبارزات مردم است. امروز بزموات شکل‌گیری اعتصابات لیستی از این خواسته‌ها و اهداف بر حق مردم به شکل طومارهای مختلفی، از جمله طوماری با عنوان بیانیه آزادی، دست بدست می‌چرخد و در مدیای اجتماعی منعکس می‌شود. ریشه کن کردن فقر و فلاکت و بیکاری و لغو اعدام و آزادیهای مدنی و آزادی زندانیان سیاسی و محاکمه عامل و آمرین کشتارها و دفاع از حقوق زنان و کوتاه کردن دست مذهب از دولت و تحصیل و درمان رایگان و خواسته‌های انسانی و پایه‌ای از این قبیل از جمله اهداف مطرح شده در این طومارها است. هزاران نفر این طومارها را امضا کرده‌اند و این خود نوعی تدارک سیاسی و مضمونی اعتصابات سراسری و عمومی است.

انترناسیونال: در خشم و ناراضی اکثریت عظیم مردم و عزمشان برای بزرگ کردن حکومت تردیدی نیست اما به نظر شما از نظر عملی تا چه حد شرایط برای شکل گرفتن یک اعتصاب گسترده عمومی و سراسری فراهم است؟

همانطور که بالاتر توضیح دادم مبارزات بخشهای مختلف مردم عملاً مضمون و تأثیری سیاسی می‌یابد و به معنی بچالش کشیدن کل حکومت است. از این نقطه نظر نیز اعتصاب سراسری بازاریان را باید یک گام مثبت و کاملاً قابل دفاع در دل جنبش سرنگونی طلبانه جامعه حساب آورد.

انترناسیونال: به اعتصاب عمومی اشاره کردید. اعتصاب عمومی مشخصاً چگونه شکل می‌گیرد؟ آیا منظور از اعتصاب عمومی اعتصاب بخشهای مختلف مردم بر سر خواسته‌های واحد است و یا اعتصابات همزمان با خواسته‌های متفاوت؟

حمید تقوایی: اعتصاب عمومی به معنی اعتصابات سراسری و همزمان بخشهای مختلف جامعه است. مردم دارای خواسته‌های مشترکی هستند و این خواسته‌ها در اعتراضات مطرح می‌شود ولی علت و زمینه شکل‌گیری اعتصاب عمومی مطالبات مشخص این یا آن بخش جامعه نیست. بلکه بچالش کشیدن حکومت و تغییر نظم موجود است. همانطور که بالاتر اشاره کردم تبدیل شدن مساله دولت بود و نبود حکومت موجود به محور تقابل مردم با حکومت یک ویژگی شرایط انقلابی است. بخشهای مختلف مردم مطالبات شخص و برحق دارند ولی وقتی دست به اعتصابات همزمان می‌زنند که بخواهند حکومت را بعنوان مسبب اصلی مصائبشان سرنگون کنند. وقتی به این نتیجه رسیده باشند که تحقق مطالباتشان تحت حاکمیت نظام و دولت موجود امکانپذیر نیست. زمینه و نقطه عزیمت و هدف اعتصابات همزمان، با هر خواست و مطالبه‌ای که مطرح شوند، عملاً بزرگ کردن حکومت و تغییر وضع موجود است.

این نکته را هم باید تأکید کنم که اهمیت مطالبات و اهداف مشخص مردم در اینست که اعلام میکنند چرا ناراضی هستند و چرا

اعتراض و مبارزه بخشهای مختلف مردم علیه وضع موجود را بر مبنای موقعیت طبقاتی معترضین ارزیابی کرد. این بخصوص در شرایط انقلابی که بخشهای مختلف جامعه بیدار آمده‌اند یک خطای مهملک سیاسی است. هیچ‌کس در دفاع از حکومت و یا وضعیت موجود اعتصاب نمی‌کند!

شاخص و معیار ما در قبال هر اعتراض و اعتصاب باید خواسته‌ها و هدف معترضین و جایگاه واقعی اعتراض در مقابله با حکومت و وضعیت موجود باشد و نه خاستگاه طبقاتی اعتراض کنندگان. بازاریان در اعتراض به بی‌ثباتی اقتصادی، گرانی دلار و نوسانات نرخ ارز، کمبود و گرانی، رکود بازار و افزایش نرخ تورم و مسائلی از این قبیل دست به اعتصاب زده‌اند. بی‌ثباتی و از هم پاشیدگی اقتصادی کار و کسب آنها را کساد کرده و در معرض ورشکستگی قرار داده است. همین شرایط یک عامل مهم تشدید و گسترش فقر و فلاکت و بیکاری در کل جامعه است. اکثریت قریب به اتفاق جامعه تحت فشار این شرایط به اعتراض برخاسته است و اعتصاب بازاریان نیز جزئی از خیزش عمومی علیه وضع موجود است. همانطور که اعتصاب کامیونداران بهرام‌رانندگان کامیون را باید جزئی از این مبارزات سرنگونی طلبانه دانست.

ما خواستار اعتصاب عمومی علیه حکومت هستیم و اعتصاب عمومی یعنی دست از کار کشیدن نه تنها کارگران بلکه همه بخشهای جامعه، اعم از کارمندان و مغازه داران و بازاریان و حتی رده‌های پائین و بدنه ارتش و سپاه و سایر نیروهای نظامی حکومت. یک ویژگی شرایط انقلابی این است که حتی بخشهایی از خود طبقه حاکمه علیه دولتی که قابلیت حفظ نظام موجود و توان و قدرت کنترل جامعه و تأمین ثبات اقتصادی را از دست داده و رو به سقوط است فعال میشوند و دست به اعتراض و اعتصاب می‌زنند. در چنین شرایطی

بخشیدن و حتی تخفیف دادن به فقر و بیکاری و فلاکت دست یافت. کارگران و بخشهای محروم جامعه فهمیده‌اند که نه تنها برای برخورداری از یک زندگی درخور شأن انسان بلکه حتی برای بقای فیزیکی خود و خانواده‌شان باید جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. آنچه در جامعه امروز می‌گذرد جنگی بر سر بقا است. هم از جانب حکومت و هم از جانب توده مردم. مردم برای بقای زندگی و مدنیت و حکومت برای باقی ماندن در قدرت رودر روی هم قرار گرفته‌اند. حکومتی‌ها هم بر این واقعیت واقف هستند. آنها هم بخوبی میدانند که نه با اعتراضات صنفی- مطالباتی شهروندان بلکه با خشم و شورش توده مردم علیه کل موجودیت نظامشان مواجه‌اند و حتی بارها صریحاً و به زبانه‌های مختلف وحشت و نگرانی خود از سقوط حکومت و بر باد رفتن نظام متبوعشان را بیان کرده‌اند.

امروز مساله محوری جامعه تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی است و مبارزات و اعتراضاتی که در اشکال مختلف بروز پیدا میکنند از مبارزات سراسری معلمان و بازنشستگان تا اعتصاب عمومی در کردستان و اعتصاب رانندگان کامیون و اعتصاب بازاریان، جبهه‌ها و نبردهای مختلف یک جنگ سراسری بر سر بود و نبود جمهوری اسلامی بشمار می‌روند.

انترناسیونال: آیا شما تفاوتی بین اعتصاب بازاریان و اعتصابات کارگری قائل نیستید؟

حمید تقوایی: روشن است که متفاوت‌اند. هم از نظر ثقل و تأثیرات اجتماعی و سیاسی و هم از لحاظ منافع و موقعیت طبقاتی. کارگران هیچ منفعتی در حفظ هیچ گوشه‌ای از نظم موجود ندارند در حالیکه بازاریان خود بخشی از طبقه حاکمه هستند. این امر مسلماً بر خواسته‌ها و پیگیری و رادیکالیسم این مبارزات و نحوه عکس العمل حکومت نسبت به آنها تأثیر می‌گذارد. اما بهیچوجه نباید

انترناسیونال: روز دوشنبه ۱۶ مهر بازاریان در بسیاری از شهرها دست به اعتصاب زدند و بازارها و مغازه‌ها در یک حرکت سراسری تعطیل بودند. ارزیابی شما از جایگاه این اعتصاب چیست؟

حمید تقوایی: این اعتصاب در شرایطی صورت می‌گیرد که جامعه علیه حکومت بپاخاسته است. اعتصاب قدرتمند کامیونداران و رانندگان کامیون که از سه هفته قبل آغاز شده و روزبروز گسترده‌تر می‌شود و همچنین اعتصاب عمومی اخیر در شهرهای کردستان در اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی و اقدام تروویستی حکومت علیه احزاب اپوزیسیون از جمله آخرین برآمدهای جنبش سرنگونی طلبانه‌ای است که از دیماه ۹۶ آغاز شده است. اعتصاب بازاریان را باید در این متن و در ادامه این مبارزات بررسی کرد.

جامعه از دیماه سال گذشته صریحاً و با صدای بلند اعلام کرده است که جمهوری اسلامی باید برود. در چنین فضایی اعتراضات و مبارزات مردم حتی با همان مطالبات مشخصی که در دوره‌های قبل مطرح می‌کردند نظیر افزایش دستمزد و نپذیرفتن دستمزدهای زیر خط فقر، مخالفت با حجاب و بیحقوقی زن، خواست آزادی زندانیان سیاسی و لغو اعدام و غیره، معنی و مضمون سیاسی و ثقل و جایگاه متفاوتی از شرایط قبل از دیماه دارد. بعد از فریاد "جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم" و اعلام "پایان ماجرا" به هر دو جناح حکومتی، جامعه وارد فازی شده است که هر اعتراض و مطالبه‌ای عملاً و بطور واقعی به معنی بچالش کشیدن کل حکومت است. مردم میدانند که حتی برای تحقق ابتدائی‌ترین و فوری‌ترین خواسته‌هایشان باید حکومت را از سر راه بردارند. میدانند نمیتوان با وجود جمهوری اسلامی به برابری زن و مرد یا دستمزدهای حتی بالاتر از خط فقر و یا لغو اعدام و آزادی زندانیان سیاسی و یا آزادی اندیشه و بیان و آزادیهای مدنی و یا پایان

# اعتصابات سراسری آغاز دور تازه تعرض جامعه علیه حکومت اسلامی

## بمناسبت دهم اکتبر روز جهانی علیه اعدام: جهان باید از بربریتی به اسم اعدام رها شود!

اسلامی در این چهل سال دهها هزار انسان را با عناوین مختلف اعدام کرده است و خانواده های بسیاری را در غم و مصیبت از دست دادن عزیزانشان گرفتار کرده است. ایران در عین حال جایی است که با کمترین ها و مجازات دائمی علیه اعدام، شنیع و غیر انسانی بودن انسان کشی را به همگان و حتی میلیونها نفر در دنیا نشان داده است.

جهان احتیاج به چنین کمپین هایی دارد. کمپین هایی که تپش قلب مادران و پدران را به قلب میلیونها نفر وصل میکند و تکانی عظیم و جهانی علیه این جنایت و قیحانه ایجاد میکند. کمیته بین المللی علیه اعدام مفتخر است که در خط مقدم مبارزه علیه اعدام فعالیت های مهم و چشمگیری در ایران و در سطح بین المللی به پیش برده، بارها و بارها پوزہ حکومت را به خاک مالیده و عده زیادی از محکومین به اعدام را نجات داده است. کمیته بین المللی علیه اعدام در طول سالها فعالیت درخشان خود هزینه اعدام ها را برای جمهوری اسلامی بالا برده و به سنگسار یعنی جنایتکارانه ترین شکل اعدام، عملاً پایان داده است. کمیته بین المللی علیه اعدام جنبشی را در ایران نمایندگی میکند که بسیار انسانی و پیشرو است و می رود تا کل جامعه را در مخالف کامل با این جنایت دولتی بسیج کند.

یکبار دیگر همه شما را فرامی خوانیم که با گسترش مبارزه علیه اعدام در ایران و کوتاه کردن دست آدمکش جمهوری اسلامی از زندگی و حیات مردم راه را برای برچیدن بساط اعدام در سطح دنیا هموارتر کنیم. اعدام قتل دولتی است و باید در همه جای جهان بلون هیچ استننا و اما و آگری به آن پایان داده شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱۴ مهر ۱۳۹۷ - ۱۶ اکتبر ۲۰۱۸

دهم اکتبر، روز جهانی علیه اعدام، جوامع انسانی را فرامی خواند که از بربریت و توحشی به اسم اعدام خلاصی یابند. تاکنون تقریباً در دو سوم کشورهای دنیا مجازات اعدام یا لغو شده است و یا در عمل اجرا نمی شود. ولی حتی وجود يك کشور در دنیا که در آن مجازات شنیع و ضد انسانی اعدام به مورد اجرا گذاشته می شود کافیست که بشریت به خود آید و با صدای بلند و محکم خواهان لغو مجازات اعدام در همه جای دنیا شود.

اعدام به معنای سلب حق حیات از هر انسان است. هیچ دولتی حق ندارد که با نقشه قبلی و بطور عامدانه جان کسی را بگیرد و جسم و روان کسی را مورد تعرض فیزیکی و یا زیر فشار روحی قرار دهد. جامعه ای که در آن بساط آدمکشی دولتی یعنی اعدام برقرار است ارزشهای بنیادین انسانی به راحتی لگدکوب می شوند، زبان خشونت و سرکوب نرم می شود و شهروندان در ناامنی بیشتری بسر خواهند برد. اعدام بویژه در جمهوری اسلامی ابزار سرکوب و ارباب مردم است. ابزار مجازات کسانی است که باور دیگری دارند، منقیدین حکومتی هستند، از تمایلات جنسی دیگری برخوردارند، و یا کسانی که در پیشاپیش جنبش های اجتماعی به دفاع از حقوق محرومان جامعه برخاسته اند و "ساحت مقدس" این نظام زورگو و

ستمگر را زیر ستوال برده اند. اعدام حتی در کشورهایی که مجرمان جنایی را مورد هدف قرار می دهد انسانی نیست چرا که نفس این توحش و قتل عمد دولتی ارزش های انسانی و حرمت انسان را پایین می آورد، ذهنیت ضد انسانی طبقه حاکم را در جامعه رواج میدهد. و بعلاوه قتل را با قتل و نابودی جواب می دهد و با کشتن مجرمین امکان اصلاح را از انسان می گیرد.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، اعدام به تمام معنی يك جنایت سازمان یافته است. جمهوری

خواست مشترکی است که همه مبارزات و اعتراضات جاری را به هم پیوند میزند و زمینه سیاسی و اجتماعی شکل گرفتن اعتصابات سراسری و قدرتمند را فراهم می آورد. باید به استقبال این شرایط رفت و به تدارک اعتصاب در بخشهای مختلف جامعه پرداخت. تشکیل "شوراهای سازماندهی"، "شوراهای مستقل کارگری" و "شوراهای واقعی و مردمی" در عرصه ها و سطوح مختلف، بکارگیری مدیای اجتماعی و هنرمندی و همکاری بین فعالین در امر سازماندهی اعتصابات، اعلام حمایت نهادها و چهره های جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی از اعتصابات جاری، و سازماندهی تجمعات و اعتصابات حمایتی، از جمله اقداماتی است که میتواند زمینه ساز اعتصابات قدرتمند سراسری و عمومی باشد. حزب کمونیست کارگری با تمام توان و امکانات خود به استقبال اعتصاب عمومی می رود و همه فعالین و توده مردم آزاده را به اعتصاب فرامیخواند. پیش بسوی اعتصابات سراسری و همزمان!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۹ مهر ۱۳۹۷،  
۱۱ اکتبر ۲۰۱۸

امروز دختران انقلاب، مخالفین اعدام و فعالین جنبش آزادی زندانیان سیاسی، بازنشستگان و معلمان، معترضین به تخریب محیط زیست، مالباختگان، و کارگران که مبارزات پیگیرشان بویژه علیه شرایط فلاکتبار معیشتی در سالهای اخیر زمینه ساز جنبش دیمه بود، پرچم "جمهوری اسلامی نمیخواهیم" را برافراشته نگاهداشته اند. امروز اکثریت عظیم مردم برای خلاص شدن از فقر، بی تامينی، و بی اختیاری و زندان و سرکوب، پا به میدان گذاشته اند و جمهوری اسلامی را بعنوان مسبب و عامل همه این مصائب هدف گرفته اند. برپائی اعتصابات سراسری و عمومی يك نبرد تعیین کننده و کارساز در این جنگ بی امان است. اعتصاب عمومی يك گام بلند و موثر جلوه و يك ضربه تعیین کننده به رژیم متزلزل و به بن بست رسیده جمهوری اسلامی است.

شرایط حاضر از هر زمان دیگری برای سازماندهی و برپائی اعتصابات سراسری و عمومی مساعدتر است. حکومت از هر نظر به بن بست رسیده است و توده مردم به این واقعیت پی برده اند که برای تحقق حتی فوری ترین خواسته هایشان جمهوری اسلامی باید برود. این گرایش و

شکل گیری اعتصابات سراسری فصل تازه ای را در مبارزات توده مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی آغاز کرده است. اعتصاب پیگیر و متحدانه کامیونداران و رانندگان کامیون، اعتصاب عمومی در کردستان، اعتصاب سراسری بازاریبان و اعتصاب سراسری معلمان که از جانب "کانون هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان" فراخوان داده شده است، طلابه های دور تازه ای از تعرض متحدانه جامعه برای بزییر کشیدن حکومت است.

اعتصابات سراسری و عمومی داری جایگاه برجسته و تعیین کننده ای درانقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی و کل نظام موجود است. مبارزه بخشهای مختلف جامعه علیه جمهوری اسلامی به قدمت عمر حکومت است اما نبرد بی امانی که مشخصاً از دیمه گذشته آغاز شده جنگی است بر سر بود و نبود حکومت و نظام موجود. جنگی که جمهوری اسلامی را در سراشیب سقوط قرار داده است. اعتراضات و تجمعات و اعتصابات جاری ادامه نبردی هستند که در دیمه ۹۶ با فریاد رسای "جمهوری اسلامی نمیخواهیم" در بیش از نود شهرسربلند کرد. از آن تاریخ تا





## باز هم عمو فرانسيس

### شهاب بهرامی

یازده صفحه ای خود پاپ را متهم کرد که نه تنها از این تجاوزات اطلاع داشته بلکه برای مسکوت گذاردن این جنایات تلاش می کرده است.

اگر فرقی بین واتیکان و مکه و قم وجود داشته باشد شاید بتوان گفت بدرجه ای این است که واتیکان برای نپذیرفتن مسئولیت خویش شیطان را متهم می کند اما در اسلام و قم، این مردمان سست ایمان و بی حجاب اند که متهم اصلی اند. این سینه های عریان و نیمه عریان خانم ها، این بی حجابی خانم ها است، این بی دینی مردم است که باعث بی آبی، خشکسالی و زلزله های گاه و بیگاه می شوند. مولوی عبدالحمید سر دسته مرتجع ملاهای سنی در فاجعه زلزله کرمانشاهان گفت این آزمایش الهی بود آنها یعنی مردم زلزله زده و قربانی شده، میزان اسلامیت اشان پایین رفته و ناشکر و بد حجاب اند، حقشان بود که این بلا سرشان آمد، این باید درس عبرتی باشد برای دیگران!

تولید و باز تولید "سعید طوسی ها" و اساسا طوسی گری، بخشی از فرهنگ حاکم در کلیسای کاتولیک، حوزه های علمیه اسلامی و بیشتر مذاهب بوده است. تنها زمانی بشر برای همیشه از شر جنام مذهب رها خواهد شد که جامعه طبقاتی با همه تضادها و مصائب اش محو شده باشد. مردم ایران اما تا آتروز صبر نمی کنند. جارو کردن مذهب و در راس آن اسلام سیاسی و حکومت اسلامی اولین وظیفه انقلاب جاری است. موج عظیم و برگشت ناپذیر ضد اسلامی این انقلاب به حرکت درآمده است و مردم برای همین، امروز بپا خاسته اند. بعد از سقوط واتیکان شیعه در قم، واتیکان عمو فرانسيس نیز حال خوبی نخواهد داشت.

**به حزب کمونیست کارگری  
ایران بپیوندید**

پاپ فرانسيس رهبر کاتولیکهای جهان در جدید ترین گفتارش که هفته گذشته در "رویترز" به چاپ رسید و انعکاسی وسیع در مدیای جهانی یافت چنین می گوید، "شیطان عزم جزم کرده تا کلیسای کاتولیک را م تضعیف نماید و برای اینکار شبانه روز و حتی با اضافه کاری در این راه تلاش می کند". بقول ولتر "اولین روحانی يك شیدای بود که به يك ابله رسید". جناب پاپ هم در واقع دارد افراد ابله را خطاب قرار میدهد. متهم نمودن شیطان بیچاره در شرایطی توسط پاپ مطرح میشود که پیکره پدوفیلی و کودک آزار واتیکانش پی در پی بر اثر اعتراضات وسیع و جهانی در مورد تجاوزات سیستماتیک جنسی کشیشان کاتولیک به کودکان و زنان، فساد مالی و غیره به لرزه در آمده است.

ایشان در بیانیه بیست و نهم سپتامبر خطاب به کاتولیک های جهان تاکید می کند: "تصور اینکه وجود شیطان افسانه و یا سمبلیک است یعنی وجود خارجی ندارد اشتباه فاحشی است که ما را در مقابل توطئه های شیطان بیدفاع می گرداند، بیانیید برای دوری این روح خبیث در تمام ماه اکتبر دعا کنیم و از فرشته خوب میکائیل بخوایم کاتولیک ها را کمک کند". قطعاً پاپ فراموش نکرده است که کمتر از يك سال پیش اعلام نمود "دیگر کلیسای کاتولیک به بهشت و جهنم و ملائکه اعتقادی ندارد!"

فرانسيس به بیان آخوندی می خواهد بگوید که کشیشان متجاوز قصوری نکرده اند، شیطان واقعی آنان اند که افشاگری می کنند. ایشان ماه گذشته بلون اشاره به نام اسقف مستعفی "کارلو ماریا ویگانو" وی را خود شیطان خطاب کرد. ویگانو ماه گذشته در گزارش

## بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

### نوبل صلح و جنبش ضد خشونت علیه زنان

شهاب خباززاده



اشیایی ناچیز فاقد هویت انسانی و قابل تملک می نگرد.

"دنيس موک وگه" پزشک است. او در کشور کنگو زندگی میکند. این کشور میدان جنگ گروههای مختلف مسلحی است که با حمایت از طرف قدرت های سیاسی و انحصارات و شرکت های بزرگ بین المللی بر سر بدست آوردن منابع و نیروی کار ارزان این کشور، با هم کشمکش دارند و بیشترین قربانیان این جدلهای خونین مردم غیرنظامی و بخصوص زنان و کودکان هستند. تجاوز به زنان یکی از حربه های عادی در این جنگهای نیابتی است. معالجه و کمک به قربانیان تجاوزهای جنسی در جنگ موضوع اصلی کار دکتر دنيس موک وگه است.

نادیه مراد در سال ۲۰۱۴ در شهر سنجان عراق توسط نیروهای داعش به بردگی گرفته شد. به او

صفحه ۷

### سونامی بیسوادی در ایران

حسن صالحی

اکثریت بیسوادان را زنان و ساکنین مناطق روستایی تشکیل میدادند. بهررو اکنون از آن زمان حدود چهل سال میگذرد و امکانات عظیمی طی این مدت ایجاد شده است که دولتها اگر بخواهند میتوانند از آنها جهت حل مشکل بیسوادی استفاده کنند. اما جمهوری اسلامی طی این مدت نه فقط مشکل بیسوادی در ایران را حل نکرده بلکه دلایل متعدد دیگری هم به گسترش آن اضافه کرده است.

در مورد مساله بیسوادی در ایران ساعتها میتوان صحبت کرد. اما بطور خلاصه از خود پیرسیم که دلایل وجود این همه افراد بیسواد و یا کم سواد در جامعه چیست؟ بیایید فعلاً به اینکه حتی آنها که بیسواد نیستند نیز با چه مشکلاتی مواجه میشوند و در مدارس چگونه کودکان را مغزشویی اسلامی میکنند کاری نداشته باشیم. که البته اینهم يك جنبه بسیار مهم و حیاتی از مساله کودکان در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. اما بیسوادی مطلق به چه دلیل اینچنین

به گفته علی باقرزاده رئیس سازمان نهضت سوادآموزی در گروه سنی شش سال به بالا آمار کل بیسوادان مطلق ۸ میلیون و ۸۰۰ هزار و آمار کم سوادان ایران ۱۰ میلیون نفر است. این آمار بخودی خود فاجعه آمیز است و رقم واقعی ممکن است از اینهم بسیار بیشتر باشد. در ایران نه فقط آمار فقر، گرانی و تورم، بیکاری، خودکشی، معتادان و تن فروشان، ویرانی محیط زیست و اعدام و جنایت و دزدیهای حکومتی رکورد می زنند، بلکه اکنون روشن تر میشود که میزان بالای بیسوادان جامعه نیز از يك وضعیت بسیار تاسف بار خبر می دهد. تاسف بار و فاجعه آمیز است ولی جای تعجب ندارد.

بیسوادى در دوره پهلوی ها نیز در ایران بیداد میکرد و میلیونها نفر بیسواد مطلق در ایران وجود داشتند. یعنی مردان و زنانی که سواد خواندن و نوشتن بیشتر از حد صفر نداشتند.

صفحه ۷

## کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

### شتاب بسوی اعتصابات سراسری، گامی به جلو در جنبش سرنگونی

تداوم قدرتمند اعتصاب رانندگان کامیون و گسترش دامنه آن به ۳۲۰ شهر، گفتمان اعتصاب سراسری و ممکن بودن آنرا درکل جامعه جلو آورده است و جامعه به سرعت بسوی چنین شکلی از اعتراض خیز برداشته است. از جمله در همین هفته در ادامه اعتصاب رانندگان کامیون در روز ۱۶ مهر اعتصاب سراسری بازار در حدود ۵۰ شهر شکل گرفت. بدین ترتیب در شرایطی که بن بست اقتصادی رژیم زندگی و معیشت کل جامعه را به تباهی کشانده است، بازاریان نیز علیه فقر و گرانی که سقوط ارزش ریال، ادامه امرار معاش بخش زیادی از آنان را نیز به مخاطره انداخته، صدای اعتراضشان بلند شد. در نتیجه این اتفاق گفتمان بر سر برپایی اعتصابات سراسری در جامعه داغتر شد و اعتصاب سراسری بازاریان، رانندگان کامیون را نیز در مبارزه شان در موقعیت قویتری قرار داد. بدنبال این اتفاقات اکنون معلمان در تدارک اعتصاب سراسری و تحصن در مدارس برای پیگیری خواستههایشان برای روزهای ۲۲ و ۲۳ مهرماه هستند. بازنشستگان نیز به برگزاری تجمع سراسری بزرگ خود در ۲۴ مهر ماه در مقابل سازمان برنامه و بودجه فراخوان داده اند. این درحالیست که در هفته قبلتر اعتصاب عمومی شهرهای مختلف کردستان و کشیده شدن دامنه اش به برخی شهرهای دیگر علیه اعدام ها را شاهد بودیم. نکته مهم اینجاست صرف نظر از اینکه هر بخش از مردم معترض جامعه اعتراض مشخصشان به چیست و چه خواستههایی دارند، اما جوهر واحد این اعتراضات به چالش کشیدن کل بساط جهنمی حکومت اسلامی است. و به معنای واقعی این اعتراضات در ادامه خیزش دیمه مردم علیه حکومت اسلامی قرار دارد. این روندی است که در آن جامعه بسرعت بسوی اعتصابات

سراسری خیز برداشته است و بطور واقعی جنبش سرنگونی دارد وارد فاز جدیدی میشود که امید بخش و شورانگیز است. و اینها همه تأکیدی دیگر بر اینست که اعتصاب سراسری و اعتصابات عمومی ابزار مهم و کارآیی برای به میدان آمدن قدرتمند کل جامعه برای رها شدن از شر جمهوری اسلامی است. پیش بسوی اعتصابات سراسری و عمومی

### شتاب جامعه بسوی سازمانیابی و جلو آمدن گفتمان شوراها

جامعه با شتاب بسوی اعتصابات سراسری میروید و با وسعت گرفتن گفتمان آن توازن قوا را به نفع مبارزات کارگران و کل جامعه تغییر یافته است. در بستر این شرایط کارگران و بخش های مختلف جامعه سازمانیافته تر و قدرتمند تر دارند به جلو می آیند. از جمله کارگران دارند با گفتمان ایجاد شوراهای مستقل کارگری و ضرورت وارد عمل مستقیم شدن و اعمال اراده مستقیم خود از طریق شوراهای مستقلشان سخن میگویند. بطور نمونه در جایی مثل هفت تپه قدمهای اولیه برای تشکیل شورای مستقل کارگری برداشته شده است و رهبرانی چون اسماعیل بخشی از هفت تپه و مهدی آل میش از گروه ملی پرچم شوراها را بدست گرفته و جنبش کارگری و کل جامعه را به تشکیل آنها در همه جا فرا میخوانند. علاوه در جریان این اتفاقات شاهد شکل گیری و سر بلند کردن شوراهای هماهنگی اعتصابات هستیم. نمونه هایش را در دور قبل اعتصابات سراسری کارگران راه آهن شاهد بودیم و در نمونه ای چون اعتصاب رانندگان کامیون، آنها در دور اول اعتصاباتشان شورای هماهنگی اعتصاب خود را شکل دادند و اکنون به تشکیل صندوق های مالی شان فراخوان داده اند.

### هفته گذشته، روز جهانی معلم، روز جهانی کودک، روز جهانی علیه اعدام

سیزدهم مهر ماه روز جهانی معلم، هفدهم مهرماه روز جهانی

علیه اعدام نیز امسال رساتر از هر سال صدای اعتراض جامعه علیه رژیم اعدام و سرکوب بلند شد. از جمله جمعی از خانواده ای جان باختگان و زندانیان سیاسی و فعالین سیاسی و مدنی طی بیانیه ای با اعلام اینکه اعدام به هر بهانه و با هر دستاویزی یک قتل آشکار و عمد دولتی است که نزدیک به چهل سال است در ایران اجرا شده و در خدمت بقای آنست، خواستار لغو فوری مجازات اعدام شدند. همچنین ۲۲ نفر از زندانیان سیاسی از زندان اوین و رجایی شهر در بیانیه ای به مناسبت روز جهانی علیه اعدام با تأکید بر حق حیات خواستار لغو مجازات اعدام شدند. اینها همه بیانیه های جامعه ایست که با گفتمان های چپ بسوی انقلاب و رهایی از توحش و بربریت سرمایه داری خیز برداشته است.

در متن این شرایط است که رانندگان کامیون به عنوان پیشتاز اعتصابات سراسری با قدرت اعتصابشان را به جلو میبرند و دامنه اعتصاب آنها چنین گسترش یافته است. اعتصاب رانندگان کامیون، اعتصابی مدرن، رادیکال و با قدرت سازمانیابی بالاست که برای کل جامعه یک الگو است. رانندگان کامیون در شروع اعتصابشان هدف خود را پایان دادن به کل بساط ظلم و نابرابری اعلام کردند. ضمن اینکه گرانی ها و افزایش هر روز بیشتر قیمتها، حقوقهای چند بار زیر خط فقر و محرومیت از هر گونه تامينی، بساط چپاول و دزدسالاری حاکم و شرکت های مافیایی حمل و نقل، ناامنی جاده ها، محرومیت از حق ایجاد تشکل مستقل از جمله موضوعات مورد اعتراض آنان است.

گسترش دامنه اعتصابات سراسری و خیز برداشتن بسوی آن، حمایت همه جانبه از اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، برپایی کارزاری گسترده برای آزادی تمامی رانندگان اعتصابی و جلو بردن جنبش برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی، کمک به صندوق های مالی اعتصاب رانندگان کامیون به عنوان شکلی عملی از همبستگی مبارزاتی با اعتصاب آنان، شکل دادن به شوراهای مستقل کارگری



در همه جا و تکثیر الگوی نیشکر هفت تپه، همه و همه گامهایی تعیین کننده برای جلوتر بردن این اوضاع برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی است. با تمام قوا به این سو حرکت کنیم.

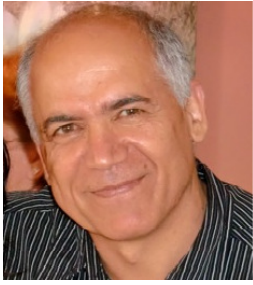
### معلمان در تدارک دو روز اعتصاب و تحصن

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با انتشار بیانیه ای در هجدهم مهرماه در اعتراض به گرانی و تورم و کاهش بی سابقه قدرت خرید فرهنگیان و با تأکید بر حق زندگی شایسته برای همه مردم و برخورداری کودکان از تحصیل رایگان، با کیفیت و عادلانه، تمامی معلمان در سطح سراسری را به دو روز اعتصاب و تحصن در مدارس فراخوانده است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان قبلا نیز در بیانیه ای به مناسبت شروع سال تحصیلی بر خواست افزایش حقوقها به بالاتر از رقم ۶ میلیون تومانی خط فقر تأکید کرده بود. در بخشی از فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به دو روز اعتصاب و تحصن در مدارس چنین آمده است: "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران به تمام فرهنگیان کشور در کلیه مقاطع تحصیلی، فراخوان می دهد که روزها یکشنبه ۲۲ و دوشنبه ۲۳ مهرماه در دفتر مدارس تحصن نمایند و از حضور در کلاس درس خودداری نمایند با آگاه سازی دانش آموزان، دلایل تحصن را برای آنها تبیین نمایند. ما از مدیران مدارس می خواهیم ضمن همراهی با متحصنین، هرگز برخورد ناشایستی با همکاران نداشته باشند. به حراست ها و نهادهای امنیتی نسبت به عواقب برخورد پلیسی و امنیتی هشدار می دهیم، ما طعم زندان را نیز چشیده ایم و سالهاست شیردلانی را دربند داریم، صفحه ۷



## فرشگرد فوق ارتجاعی و ضد مردمی است

### اصغر کریمی



چپ بسرعت در هم خواهد شکست. در واقع نفس شکل گیری چنین جریاناتی ناشی از چپ بودن جامعه و موقعیت قلمرومند و رو به رشدی است که کمونیسم و چپ اجتماعی در جامعه ایران دارد. بی جهت نیست که نشریات وابسته به وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای حکومتی نیز مدتی است بیشتر به نقد چپ و کمونیسم مشغول شده اند و چپ را "خطر بزرگ بیخ گوش نظام" میدانند و به نظام و نهادهای امنیتی اش در مورد رشد این چپ و خطر این چپ هشدار میدهند.

ماهیت ارتجاعی و ضد کمونیستی فرشگرد را میشناسند و بی دلیل نیست که سخاوتمندانه و در یک تصمیم واحد در همان ساعات اولیه اعلام موجودیت این جریان، تریبون در اختیار آنها گذاشتند.

این جریان به جایی نمیرسد. از یکطرف بدلیل ترکیب آن و مهمتر تحت فشار چپ جامعه به عناصر اولیه تجزیه میشود و مثل بادکنک بادش خالی میشود. اینها جنبش سرنگونی طلبی را تقویت نمیکند، بلکه متناسب با جبهه خود مانعی در مقابل مردم و مبارزات جاری آنها و کل جنبش سرنگونی طلبی هستند. جریانی که آشکارا علیه کارگر و کمونیسم به میدان میاید، آنهم در فضای پرتحرک و انقلابی که دوره عروج کارگر و کمونیسم است، توسط قدرت اجتماعی و سیاسی

بنیانگذاران این جریان پفکی هستند، میدانند که این فشار چپ جامعه بود که کل جنبش آنها را به شکست کشاند و در دیماه ۹۶ با شعار اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا پایان آنها را اعلام کرد. اینها قرار است اهداف و نیات ضد کمونیستی خود را اینبار در این تشکل دنبال کنند اما حضور اینها، ماهیت واقعی فرشگرد را بهتر برای مردم عیان میکند. حتی رضا پهلوی که با اعلام موجودیت فرشگرد تویت آنها را بازنشر کرد، بنظر میرسد در حمایت بیشتر از این جریان محتاط شده باشد. چرا که میدانند برجه ای که از چنین جریانی حمایت کند، موقعیت خود را از این هم که هست خرابتر خواهد کرد.

رسانه هایی مانند من و تو و بی بی سی و صدای آمریکا و غیره

این جریان شانس برای تبدیل شدن به یک نیروی سیاسی ندارد. جامعه ایران بسیار چپ تر و سیاسی تر از این جریان است. طبقه کارگر با گوشت و پوست معنی لیبرالیسم اقتصادی و بازار آزاد را تجربه کرده است. سیاستی که جمهوری اسلامی در سالهای گذشته بطور شتابانده ای عملی کرده و با خصوصی کردن ها و ایجاد مناطق ویژه اقتصادی و خارج کردن کارگران از همین قانون کار ضدکارگری اش معنی واقعی آنرا به کارگران و اکثریت جامعه نشان داده است. جامعه ایران بسیار چپ است. مردم بهداشت و تحصیل رایگان میخواهند، شرایط بهتری برای دوران بازنشستگی میخواهند، بیمه های اجتماعی و خدمات مناسب میخواهند، خواهان یک زندگی انسانی برای کودکان هستند، حق اعتصاب و تشکل و آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده میخواهند و فرشگردی ها با همه اینها مخالفند.

جامعه ای با این درجه روشن بینی، با طیف بسیار وسیعی از فعالین کارگری و اجتماعی چپ، و فضای چپی که بر اعتراضات بخش های مختلف مردم حاکم است، کوچکترین خوانایی با نئونکسرواتیسم این شاگردان مکتب شیکاگو ندارد. نقطه مثبت! این جریان صراحت آنها است که اهداف ضد کارگری ضد کمونیستی شان را بدون لافافه بیان میکنند. رضا پهلوی کمی عقل بخرج داده و از موضعگیری صریح علیه سایر گرایشات اپوزیسیون خودداری کرده است. اینها هنوز فعالیتتیی شروع نکرده دشمنی شان را با کمونیسم، یعنی ستون فقرات تغییرات در ایران و ستون فقرات مقابله با مذهب و جمهوری اسلامی، اعلام کرده اند. ویژگی دیگر این جریان هویت دو خردادی و سوابق مشکوک بسیاری از بنیانگذاران این جریان است که با دانش آموختگان لیبرال و یا بخشی از طرفداران رضا پهلوی ملغمه ویژه ای تشکیل داده اند و این مساله کسانی که بالقوه میتوانند حامی این جریان باشند را هم محتاط کرده است. دو خردادی هایی که از

جریان فرشگرد متشکل از تعدادی دو خردادی و اطلاعاتی سابق و تعدادی بی هویت دیگر که توسط رسانه های دست راستی مثل بادکنک باد شد جریانی بشدت ضد مردمی، مرتجع و دست راستی است.

سخنگویان این جریان وقیحانه و بدون هیچ شرمی اعلام میکنند که طرفدار پر و پا قرص ترامپ و سیاست های راسیستی و فوق ارتجاعی او هستند. بشدت از دستاوردهای کشورهای اروپایی در زمینه خدمات و حق و حقوق مردم که حاصل دهها سال مبارزات کارگری و سوسیالیست ها است، اظهار بیزار می کنند و الگوی آمریکا را که در مقایسه با کشورهای اروپایی فوق العاده عقب تر است، ستایش کرده و بازار آزاد و لیبرالیسم اقتصادی را برای ایران تجویز میکنند. حامی سیاست های داخلی ترامپ هستند که تلاش میکنند اوضاع را باز هم بیشتر به زیان اکثریت کارگر و زحمتکش این کشور تغییر دهد. سیاست ترامپ را که از موضعی ارتجاعی با رسانه ها در افتاده نیز مورد تمجید قرار میدهند. در واقع اینها تاجرپرست، ریگانپرست، ترامپپرست هستند که نماینده ضد مردمی ترین و راست ترین بخش بورژوازی جهانی میباشند. با هویت ضد کمونیستی اعلام موجودیت کرده و صریح و آشکار منظورشان از چپ و کمونیسم را تعهد دولت نسبت به جامعه و خدمات و بیمه های اجتماعی و تحصیل و درمان رایگان میدانند. همه این خدمات را که به درجاتی در کشورهای اروپایی برقرار است، چپ و کمونیسم و طبقه کارگر به سرمایه داری در طول قرن بیست تحمیل کرده و اینها در مصاحبه ها و بحث هایشان بی پرده با آنها مخالفت میکنند. به این معنی فرشگردی ها بیش از آنکه علیه جمهوری اسلامی باشند، علیه دستاوردهای طبقه کارگر در غرب و علیه چپ و کمونیسم هستند و اینرا کتمان نمیکنند.



## کارگران در هفته ای ...

از صفحه ۵

پس لطفا شیوه و روش تهدیدی را کنار بگذارید. تحصن مهر آغاز دور جدید اعتراضات ماست و اگر سریعاً تغییر مثبت و قابل توجه در فیشهای حقوقی بازنشستگان و شاغلان و سرانه ی دانش آموزان مشاهده نگردد اعتراض سراسری خود را در ابعاد گسترده تری در آبان ماه ادامه خواهیم داد.

از همکاران بازنشسته گرامی درخواست میکنیم که درین روزها با شاخه گلی به دیدار همکاران شاغل خود در نزدیکترین مدرسه محل زندگی خویش بروند. شاغلانی که درین روز تدریس ندارند حتماً به مدارس خود یا مدرسه ای نزدیک مراجعه کنند."

فراخوان معلمان به دو روز اعتصاب در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر در متن فضای پر التهاب جامعه که اعتصابات سراسری دارد به گفتمان

اصلی اش تبدیل میشود، یک اتفاق سیاسی مهم است. وسیعاً اطلاع رسانی کنیم.

رئوس خواستهها و شعارهای اعتراضی معلمان که هم اکنون رئوس گفتمانهای آنان در مدیای اجتماعی هستند، به قرار زیرند: تحصیل رایگان اجرا باید گردد؛ درمان رایگان برای زحمتکشان؛ معیشت، امنیت، سلامت، حق مسلم ماست؛ معلم زندانی آزاد باید گردد؛ امنیت شغلی حق معلمان است؛ خط فقر ۶ میلیون، حقوق ما دو میلیون؛ مدارس خصوصی ملغی باید گردد؛ معلم زندانیست، کلاس درسش خالیست؛ کلاسهای استاندارد حق مسلم ماست؛ حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی؛ تشکل تجمع. تحصن. حق مسلم ماست؛ مدرسه استاندارد حق مسلم ماست؛ حقوق ما ریالی، هزینه ها دلاریه و ...

معلمان در اعتراضاتشان همواره بر از بین رفتن شکاف طبقاتی موجود

در جامعه تاکید کرده و با خواست لغو حقوقهای نجومی، داشتن یک زندگی انسانی را حق مسلم خود دانسته اند. به این اعتبار معلمان یک بخش پیشتاز جامعه هستند که نقش مهمی در جلو آوردن خواستههای رادیکال، چپ و انسانی در جنبش کارگری و کل جامعه داشته اند، از خواستههای و مبارزات معلمان وسیعاً حمایت کنیم.

## بازنشستگان در تدارک تجمع سراسری ۲۴ مهرماه

بازنشستگان در ادامه اعتراضات تا کنونی شان و در اعتراض به حقوقهای زیر خط فقر و سقوط هر روز بیشتر سطح معیشتشان با توجه به بحرانی اقتصادی ای که ابعاد فاجعه بارش زندگی و معیشت کل جامعه را به تباهی کشانده است، فراخوان به تجمع داده اند. در بخشی از این فراخوان چنین آمده است: "در اقدامی هماهنگ با دیگر بازنشستگان گرد هم آییم تا بگویم دیگر وعده بس است، دیگر

انتظار کافیسیت، دیگر تحمل تبعیض و بی عدالتی خارج از توان ماست. روز ۲۴ مهر ساعت ۱۰ صبح در مقابل سازمان برنامه جمع می شویم و هرگونه مذاکره و گفتگو با مسئولان باید با هماهنگی تمام بازنشستگان است صورت گیرد."

بدین ترتیب بازنشستگان عزم جزم خود را برای پیگیری خواستههای اعلام کرده اند. خواستههای مشترکی اعتراضات معلمان و بازنشستگان و بخش های مختلف جامعه را به هم پیوند میدهند. خواستههای بازنشستگان، خواستههایی است که هم اکنون گفتمان معلمان در تدارک اعتصاب دو روزه شان برای روزهای ۲۲ و ۲۳ مهراست. همان خواستههایی است که بارها بازنشستگان در اعتراضاتشان فریاد زده و با اعلام اعتراضشان به فقر، تبعیض، نابرابری و اختلاسها، کل بساط سرمایه داری وحشی حاکم را به

چالش کشیده اند. تجمعات هزاران نفره بازنشستگان در چند ساله اخیر یک نقطه قوت جنبش کارگری بوده است. در چنین تجمعاتی بازنشستگان با شعار حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی و فریاد معیشت؛ منزلت، حق مسلم ماست؛ نقش پیشرویی در جا انداختن شعارهای چپ و رادیکال در جامعه داشته اند. فراخوان بازنشستگان به تجمع برای روز ۲۴ مهرماه، فراخوان معلمان به اعتصاب برای روزهای ۲۲ و ۲۳ اتفاقات مهمی هستند که بدون شك مبارزات کارگران و کل جامعه را در موقعیت به مراتب قوی تری قرار خواهد داد. خلاصه کلام اینکه صف قدرتمند و متحدی از اعتراضات کارگری و مردم معترض با اعتصابات سراسری و فراخوان به تجمعات سراسری به میدان آمده و جامعه بسوی انقلابی انسانی برای جامعه ای انسانی خیز برداشته است. زنده باد انقلاب.

## جایزه نوبل صلح و جنبش

از صفحه ۴

وحشیانه تجاوز شد و خانواده اش را قتل عام کردند. بعد از چندین ماه او توانست بگریزد و به کمک مردم انسان دوست از قلمرو داعش در منطقه موصل خارج شود و خود را به اروپا برساند. و افشاگر جنایاتی شود که نیروهای داعش در مورد سرزمینهای تحت اشغال خود انجام داده بودند. نادیه مراد هم یکی از بیشمار قربانیان جنگ های نیابتی بین گروههای مختلف تروریستی در عراق بود که توسط دولتها و قدرتهای منطقه ای نظیر عربستان و جمهوری اسلامی ایران و ترکیه و قطر و غیره سازمان داده شده اند. قربانیانی که بیشتر آنها بدست نیروهای تروریست اسلامی مورد شکنجه و آزار قرار گرفته، به آنها تجاوز شده و کشته شده اند. اما عراق فقط صحنه کوچکی از فعالیت نیروهای اسلامی است. ایران، افغانستان، سوریه، عربستان، یمن، سومالی، نیجریه و حتی ترکیه نیز عرصه قدرتمندی اسلام سیاسی است. تجاوز به زنان حربه ای است که نه فقط در جنگ های آشکار از آن استفاده میشود بلکه یکی از ابزارهای سرکوب و ایجاد رعب و وحشت این نیروی ضد انسانی است.

نادیه مراد موفق شد از بردگی و جهنم اسلامی بگریزد و خودش را به جایی در امان از توحش داعشیان برساند. صدای او توانست در متن مبارزات و اعتراضات بیشمار علیه جنایات تروریسم اسلامی اوج بگیرد و تحت فشار این اعتراضات است که به او جایزه داده میشود. در غرب به نادیه با احترام رفتار میشود و رسانه ها و روسای دولتهای غرب از او تعریف و تمجید

می کنند. اما هنوز دولتها و رسانه ها در مقابل میلیونها جنایاتی که اسلام سیاسی در کشورهای مختلف مرتکب شده و هرگز برای آنها پرونده ای باز نشده سکوتی سنگین و توهین آمیز را ادامه میدهند. جنایاتی که هر روز در ابعادی وسیع و در اشکال مختلف تکرار میشود.

بردگی جنسی ادامه دارد. ولی در مقابل آن و در مقابل قوانین اسلامی حامی آن نیروی بزرگی قد علم کرده. جنبش آزادی زن و کل جنبش آزادیخواهان و انسانی میروند تا به این بردگی پایان دهد و اسلام سیاسی را بعنوان حامی بردگی به زباله دان تاریخ بریزد. این جنبش در ایران قدرت زیادی پیدا کرده و جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی های زیاد کرده است. جنبش زنان نقش مهمی در انقلاب آتی ایران برای کسب آزادی و برابری خواهد داشت و میتواند تاثیر بزرگی در منطقه و به عقب راندن نیروهای اسلامی داشته باشد.

سیاست محافظه کارانه کمیته صلح جایزه نوبل قابل انکار نیست. این کمیته تا آنجا که بتواند از مطرح کردن چهره های رادیکال و پیشرو در مبارزه برای حقوق انسانی، واهمه دارد. ولی حتی اگر انتخاب نادیه مراد و دنیس موک وگه برای جایزه صلح نوبل مانند همیشه تابع محاسبات و ملاحظات سیاسی باشد، دادن این جایزه را باید نتیجه و تحت فشار یک جنبش بزرگ انسانی دانست. جنبشی که در آن میلیونها نادیه دیگر وجود دارد که برای ریشه کن کردن بردگی و خشونت علیه زنان بسیج شده اند و میلیونها انسان آزادیخواه دیگر هستند که هر گونه خشونت علیه زنان را ننگ بشریت می دانند و بدون هیچ ملاحظه ای علیه آن مبارزه می کنند.

## سونامی بیسودی ...

از صفحه ۴

روبرو هستند که بیسودی دردناک ترین آن نیست. برای مردمانی که آهی در بساط ندارند چرا باید سواد آموزی مهم باشد؟ وقتی که در مناطق دور افتاده مدرسه به اندازه کافی وجود ندارد و سوریس ایاب و ذهاب هم نیست روشن است که عده ای از تحصیل محروم می مانند.

برای دانش آموزی که به چشم می بیند مدارس دولتی کیفیتی افتضاحی دارند چه رغبتی برای ادامه تحصیل باقی می ماند؟ وقتی طبق قانون سن ازدواج دختران آنقدر پایین است چه کسی دخترچه را روانه مدرسه می کند زمانی که می تواند او را به "خانه شوهر" بفرستد تا یک "نانخور" کمتر شود؟ وقتی که جهل و خرافات جای دانش و فرهنگ را گرفته است چه همتی وجود دارد که بیسودی ریشه کن شود؟ و ...

واقعیت این است که جمهوری اسلامی هم به دلیل تحمیل فقر و فلاکتی بیسابقه به جامعه ایران و هم بدلیل انواع و اقسام تحمیلات اجباری مذهبی و تبعیض آمیز و هم بدلیل گسترش خرافه پرستی و جهل عامل اصلی تولید بیسودی در جامعه بوده است. این رژیم از بیسودی مردم نفع می برد چرا که حاکمیتش با آگاهی و دانش مردم بیشتر به خطر می افتد.

## به مناسبت ۱۰ اکتبر ...

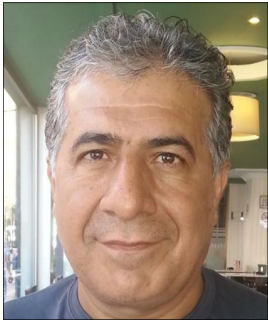
از صفحه ۱

چهره برجسته و خستگی ناپذیر آن مینا احدی اسم نبرد. این تلاشها افشاگر جنایات جمهوری اسلامی در سطح جهان بود و چهره کثیف و دستان خون آلود حکومت اسلامی را در معرض دید مردم دنیا قرار دهد. دهم اکتبر روز جهانی علیه اعدام روز تاکید بر لزوم گسترش و تقویت جنبش جهانی علیه مجازات اعدام و اعتراض به این قانون ضد انسانی است، همچنانکه روز قدرانی از تلاشهایی است که توسط هزاران انسان شریف و آزادیخواه در جهت پایان دادن به قتل عمد دولتی انجام میشود.



## چرا باید از اعتصاب سراسری کسبه و بازاریان در ایران دفاع کرد؟

محمد آستگران



خواهد کرد و این چنین هم شد. حال کسی که تحت عنوان "چپ" در مقابل این اعتصاب قرار میگیرد معلوم است از چنین حرکتی نگران شده و اگر توان و امکانش را داشت مانع اجرای آن میشد. آیا برای مخالفین این اعتصاب چنین جایگاهی خیلی افتخار آفرین است و مدافعین آن کافر شده اند؟ نکته دیگر اینکه اعتصاب فقط در بازار نبود و شامل بسیاری از کسبه و مغازه داران هم بود که وضعیت امروز همه آنها را با یک بن بست و آجمز کامل روبرو کرده است.

تصور میکنم احتیاج به توضیح زیادی نیست که مخالفین این اعتصاب در جایگاه بسیار بدی قرار میگیرند. آنها بدون اینکه بخواهند و بدون اینکه متوجه بشوند سیاستی را در پیش میگیرند که روند تضعیف جمهوری اسلامی را کند کنند. برای دوری از این جایگاه مخالفین ناچار شده اند بگویند آنها "در مقابل هیچ اعتصاب و اعتراضی علیه حکومت نمی ایستند" اما در مورد همین اعتصاب نوشته اند این "جبهه ارتجاع سیاسی و پرچم بورژوازی" است. معلوم نیست اگر قصد ایستادن در مقابل اعتصاب علیه جمهوری اسلامی را داشتند چه کار بیشتری از این القاب میتوانستند انجام بدهند. فاکت‌های فوق از نوشته رفیق سیاوش دانشور است که در مخالفت با اعتصاب روز ۱۶ مهر ۱۳۹۷ نوشته شده است.

### جایگاه این اعتصابات در سیاست ایران!

اگر کسی بخواهد جایگاه واقعی این اعتصابات و دیگر اعتصابات و اعتراضات اقشار

قابل توجهی از بازاریان ایران به عنوان پایگاه مهمی برای جمهوری اسلامی عمل میکرد. اما بحران سیاسی و اقتصادی جامعه ایران این قشر را ابتدا نگران و بعدا معترض کرد. از مقطع خیزش دی ماه ۹۶ به مرور فضای اعتراضی جامعه ایران همه اقشار و حتی بخشی از نیروهای درون رژیم را از ادامه وضع کنونی ناامید کرد و صدای اعتراض آنها هم بلند شد. در تحلیلی عمومی تر بازاریان بخش محافظه کار هر جامعه ای را تشکیل میدهند. اما کسبه و مراکز خرید و فروش شهرهای ایران دهها برابر بازاریان است و اعتصاب سراسری با دخالت این قشر میانی بیشتر تداعی میشود نه بازاریان بطور خاص. حال سوال این است اگر چنین است چرا کمونیستها باید از این اعتصاب خوشحال باشند و از آن دفاع کنند؟

اولین پاسخ من این است که اگر این قشر ساکت بودند و در مقابل جمهوری اسلامی به همان محافظه کاری و همراهی با سیاستهای رژیم ادامه میدادند، آیا نفعی به حال جامعه و جنبشهای اعتراضی رادیکال داشت و آیا موقعیت جمهوری اسلامی قویتر نمیشد؟ بنابر این سکوت این قشر نه تنها نفعی نداشت بلکه به ضرر هم بود. حال که تحت تاثیر اعتراضات و اعتصابات چند ماه گذشته کل فضای سیاسی جامعه دستخوش تحول شده است این قشر دست به یک اعتصاب سراسری زده است، چرا باید تعدادی از آن نگران باشند. اتفاق افتادن این اعتصاب سراسری یعنی دوره سرایشی و سقوط جمهوری اسلامی برای این قشر هم محرز شده است.

جمهوری اسلامی تلاش زیادی کرد که این اعتصاب اتفاق نیفتد. چون میدانست که پایه های جمهوری اسلامی را سست تر و موقعیتش را ضعیف تر

اکنون که نوبت به کسبه و بازاریان کل مراکز خرید و فروش شهرها رسیده است ظاهرا اعتصاب آنها در کردستان قابل دفاع است اما در خارج کردستان قابل دفاع نیست و میشود مرکز ارتجاع!؟ معلوم نیست کردستان چه اکسیری به بازاریان تزریق میکند که قابل دفاع میشود. همگان میدانند که چند مورد اعتصاب عمومی که در کردستان اتفاق افتاده است به عنوان اقدامی سیاسی، انقلابی و مهم علیه جمهوری اسلامی قلمداد شده است. نود درصد اعتصابات عمومی کردستان هم همین کسبه و بازاریان بوده اند. مخالفین اعتصاب سراسری روز دوشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۷ اکنون برای فرار از این تناقض نوشته اند بازاریان کردستان حامی حزب دمکرات کردستان هستند. اولاً این امتیاز دادن به حزب دمکرات بی پایه است. دوماً اگر اینطور بود چرا شما از آن اعتصابات دفاع کردید؟ چرا امروز یادتان آمده است به عقب برگردید و آن اعتصابات را به جیب مبارک حزب دمکرات کردستان بریزید. چرا وقتی که از اقدام مهم و سیاسی مردم کردستان مینوشتید یادتان نبود که بازاریان مدافع حزب دمکرات چنین اقدامی کرده اند. اینها سوالات بی جوابی نزد این چپ است.

### نقش و جایگاه کسبه و بازاریان در سیاست ایران

اگر در اعتصابات اخیر فقط در مورد بازار حرف میزنیم این درست است که بازاریان قشر خاصی از جامعه هستند که در کمپ بورژوازی محسوب میشوند. بازاریان از بورژوا تا خورده بورژوازی هر جامعه ای را دربر میگیرد. در دوره قیام سال ۵۷ و حتی قبل از آن این قشر پایگاه جریانات مذهبی و بعدا بخش عمده آنها پایگاه جمهوری اسلامی محسوب میشد. تا همین یکی دو سال قبل هم بخش

رانندگان کامیون و کامیونداران متمایل شد. اما معلوم نیست تفاوت اعتصاب کامیونداران با کسبه و بازاریان در کدام وجه سیاسی و مطالباتی خود را نشان داده است که اکنون مخالف این دومی است.

متأسفانه این تفکر و این برداشت از سیاست به نوعی در میان چپ ریشه ای عمیق دارد. حتی بخشی از چپ که به ناچار مدافع این اعتصاب سراسری بنظر میرسد، با دلی ناراضی و بی اشتها خود را موافق آن نشان میدهد. اجازه بدهید با این مقدمه وارد اصل بحث بشوم.

### ماهیت و ترکیب طبقاتی اعتصاب کامیونداران

چرا این چپ از اعتصاب رانندگان و کامیونداران دفاع میکند اما مخالف اعتصاب کسبه و بازاریان است؟ اولین تاکتیک این چپ این است که نگوید اعتصاب "کامیونداران" و به جای آن از اصطلاح اعتصاب "رانندگان کامیون" استفاده کند. گویا کلمه دلخواهی رانندگان، آنها را به کارگر تبدیل میکند و کلمه کارگر نقش سحر و جادوی ایدئولوژیکش را تکمیل میکند. این چپ متوجه نیست که بیش از هشتاد درصد رانندگان کامیون صاحبان کامیونها هستند. حتی رانندگانی که دستمزد میگیرند با توافق کارفرمای خود وارد این اعتصاب شده اند. در حقیقت اعتصاب رانندگان و کامیونداران به خواست بخشی از بورژوازی و خرده بورژوازی ایران اتفاق افتاده است. خود این کامیونها هم ارزش مالی و پولی شان کمتر از مغازه مغازه داران نیست. علاوه بر این یکی از مطالبات اعتصاب کامیونداران گران کردن کرایه حمل بار است و هر کسی میدانند معنی این چیست و چه عواقبی بر گران شدن کالا خواهد داشت. با این حال به درست همه چپها اگر چه ابتدا با کسی اکراه اما از اعتصاب کامیونداران دفاع کردند.

حتما خود این تیتیر در میان بخشی از چپ به اندازه کافی حساسیت برانگیز هست. اما از همین اول میگویم من میخواهم از این اعتصاب سراسری دفاع کنم. میدانم در مکتب فرقه های ایدئولوژیک نفرین میشوم و این سیاست کفر گفتن محسوب میشود. چون به زعم آنها "کمونیستها" طبق تعریف فقط از اعتصاب و اعتراض کارگران و انقلاب کارگران باید دفاع کنند. این جماعت ایدئولوژیک حتی اگر انقلابی در جامعه رخ بدهد از آن دفاع نمیکند مگر به نظر آنها انقلاب "کارگری" باشد. انگار انقلابات از همان روز اول کارگری یا بورژوازی بودنشان محرز است. گویا میتوان انتخاب کرد و یا اتیکت روی آنها چسباند! با این متد من متوجه نمیشوم که انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ را اینها از چه مقطعی انقلاب کارگری میدانند. زیرا نیروی محرکه اصلی آن انقلاب ابتدا سربازان و دهقانان و کارگران بودند. تعداد کارگران بسیار کمتر از بقیه بود. تنها یک امکان برای چنین برداشتی هست و آن اینکه در پایان انقلاب وارد بشوند و بگویند این کارگری بود یا نبود. چون انقلاب اکتبر روسیه سال ۱۹۱۷ هم از روز اول معلوم نبود چقدر کارگری یا بورژوازی خواهد شد. زیرا نه پیروزی سیاسی لنین و بلشویکیها قطعی بود و نه شکست تزار و طبقه بورژوا. ملاک حاکم آن دوره روسیه حتمی بود. بنابر این کسی که خودش را برای چسباندن اتیکت خاصی آماده کرده که به اجناس بچسباند، قاعدتا کاری نمیکند تا روزی که نتیجه و ماهیت انقلاب معلوم بشود. این متد بخواهد یا نخواهد پاسیفیسیم و نظاره گر بودن در ماهیتش نهفته است. ادعاهای دیگرشان ربطی به واقعیت جامعه و سیاست پیدا نمیکند. همین چپ ابتدا پاورچین پاورچین به دفاع از اعتصاب



## چرا باید از اعتصاب سراسری کسبه ....

از صفحه ۸

مختلف جامعه را بررسی کند، باید آنها را ابتدا در فضای سیاسی ایران بررسی کند. باید متوجه شد که هیچ کدام از این اعتصابات محدود به تحقق مطالباتی خاص نیستند. اعتراضات و اعتصابات محلی و سراسری هیچکدام ماهیت جنبش مطالباتی ندارند. زیرا جامعه از این مرحله عبور کرده است. بنابراین همه آنها ماهیتی سیاسی دارند. اهدافی سیاسی دارند و باید با این معیار سنجیده شوند. در جامعه ای مانند ایران که با يك بحران انقلابی مواجه شده است حتی اعتصاب برای اضافه دستمزد هم سیاسی است نه مطالباتی.

اتفاقاً رژیم اینرا میدانند و تلاشهای زیادی کرده و میکند که این اعتصابات سازمان پیدا نکنند. کارگران و کامیونداران و سگازها داران و بازاریاران و... همگی اینرا میدانند. کل جامعه انتظارش از پیروزی این اعتصابات این نیست که فلان مطالبه عملی بشود یا نشود. به درست همه اقدار و طبقات جامعه منتظر این هستند که نتیجه این اعتصابات سرنگونی جمهوری اسلامی باشد. حال معلوم نیست چپی که خود را برای رهبری مبارزات اجتماعی آماده کرده و میکند چرا باید مخالف اعتراض و اعتصاب این یا آن قشر جامعه علیه جمهوری اسلامی باشد؟ مثلاً اگر فردا بخشی از سربازان ارتش و سپاه و نیروی انتظامی و نیروی هوایی یا زمینی دست به اعتصاب زدند و گفتند فلان مطالبه را درخواست میکنند، باید بگویم چون آنها بخشی از نیروی سرکوب هستند اعتصابشان قابل دفاع نیست؟

## اهمیت گسترش اعتصابات سراسری در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی!

تا کنون بحث همه جریانات چپ این بوده است که با اعتصابات سراسری و قیام توده ای به رهبری طبقه کارگر و

داعش نتیجه سیاستهای جمهوری اسلامی است. از نظر موقعیت جهانی و منطقه ای هم جمهوری اسلامی شبیه صدام و قزاقی و اسد است.

همگان اذعان میکنند که فرماندهان بالای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی شامل سپاه و ارتش و بسیج و نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات و... دفاعشان از حکومت دفاع از سرمایه های خودشان معنی میدهد. زیرا در همه کشورهای بورژوازی دنیا نیروهای مسلح از منافع طبقه حاکم آن کشور دفاع میکنند و برای این هدف سازمان داده شده اند. در ایران امروز طبقه حاکم عمدتاً خود فرماندهان همین نیروهای مسلح میباشند. این يك ویژگی بسیار مهم و تعیین کننده در اتخاذ تاکتیک و سیاست برای سرنگونی جمهوری اسلامی به ما گوشزد میکنند.

بنظر میرسد اغلب جریانات چپ هنوز متوجه این نیستند که این ویژگی مولفه بسیار پیچیده و مهمی است که برای مقابله با جمهوری اسلامی باید مد نظر قرار بگیرد. متأسفانه چپ ایران به شکل پراگماتیستی و دنباله روانه روزمره اعمال و سیاست خودش را پیش میبرد. دورنمای روشنی از تحولات و موانع... مراحل سرنگونی جمهوری اسلامی ندارد. به همین دلیل نقش سنتهای سیاسی گذشته و تاکتیکهای شناخته شده این کمپ در گفتار و اعمالش برنگ است و نمیتواند فضای سیاسی و موانع و نقطه قدرتهای امروز جامعه را تشخیص بدهد.

واضح است که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیروهای مسلح، خودشان بخش اصلی صاحبان سرمایه را تشکیل میدهند و به این معنا حکومت دست خودشان است. فراتر از این نکات ذکر شده، نقش نیروهایی مسلح بویژه سپاه در اداره حکومت را نگاه کنید. این نیروها تمام سکانها و نقاط کلیدی قدرت محلی و سراسری را در اختیار خود گرفته اند.

برای اثبات این ادعا ترکیب

و سابقه تمام مقامات بالای حکومت را نگاه کنید. تقریباً همه آنها بجز موارد معدودی یا لباس نظامی و امنیتی را درآورده و وزیر و وزرا و نمایندگان مجلس و سران قوه سه گانه و چند گانه را تشکیل میدهند. به يك معنا باید گفت حکومت جمهوری اسلامی از بالا تا پایین همه مقامات اصلی اش برای اداره کشور از نیروهای مسلح و امنیتی و تعدادی آخوند تشکیل شده است که اغلب آنها یا هنوز نظامی هستند یا سابقه نظامی و امنیتی دارند.

با نگاه به چنین رژیمی با این ترکیب و سابقه و با توجه به نقش آنها در تصاحب سرمایه های کشور و تجربه خونین آنها در کشور سوریه و لبنان و یمن و عراق و... و با توجه به ماهیت اسلامی و ایدئولوژیک آن يك احتمال قوی این است که تا آخر مقاومت خواهند کرد. باید این احتمال قوی را جدی گرفت که روزی خواهد رسید تظاهراتهای خیابانی غیر قابل کنترل بشود و با مدیریت کردن و تفرقه افکنی و دستگیری تعدادی از فعالان و لیدرهای این اعتراضات نتوانند تسلط خودشان را بر کشور حفظ کنند. آنروز نیروهای مسلح و امنیتی رژیم میتوانند با بیرحمانه ترین شکل ممکن دست به قتل عام بزنند. شبیه کاری که اسد در سوریه و قبلاً صدام در عراق و... انجام دادند.

در چنین حالتی راهی برای مردم نیمه ماند بجز دست بردن به اسلحه. اتفاقی که در سوریه افتاد و مردم تظاهر کننده خیابان را با توپ و تانک و نیروی هوایی به خون کشیدند. مردم دست به اسلحه بردند و جنگ داخلی آغاز شد و آن سناریو اتفاق افتاد که میبینیم. رژیم اسد با حمایت جمهوری اسلامی و روسیه در چنین فضایی توانست با سرکوب خونین مردم در خیابان يك سناریوی سیاه را به جامعه تحمیل کند. جمهوری اسلامی هم تجربه این سناریو را دارد هم دفاعش از خود بسیار جدیتر از

دفاع از اسد خواهد بود. بنابراین راه مقابله با این سیاست رژیم که خودش عامل تعیین کننده ای در تحمیل سناریوی سیاه است باید یکی از محورهای تاکتیک و سیاست اپوزیسیون سیاسی مسئول بویژه چپها باشد.

ما بارها تاکید کرده ایم که جامعه ایران سوریه ای نخواهد شد. اکنون هم بیش از همیشه اینرا تاکید میکنیم. اما هیچ وقت نگفته و ننوشته ایم که جمهوری اسلامی همان جنایات اسد و صدام و قزاقی و داعش را تکرار نمیکند. بر عکس، جامعه ایران و اپوزیسیون جمهوری اسلامی اگر با جامعه و اپوزیسیون سوریه متفاوت است، اتفاقاً جمهوری اسلامی شباهت زیادی با دولت سوریه و داعش دارد. همین يك مولفه يك خطر واقعی و جدی برای آینده ایران است. نیروهای سیاسی مسئول چپ و حتی جریانات راست ضد سناریو سیاهی، باید برای دفاع از مدنیت جامعه، تاکتیکهای جمهوری اسلامی را بشناسند و خنثی کنند.

## نحوه مقابله با سیاست سرکوب جمهوری اسلامی!

اگر اینرا بپذیریم که جمهوری اسلامی در مقابل اعتراض مردم مقاومت خواهد کرد و نیروهای مسلح در دفاع از حاکمیت و سرمایه های خود ظرفیت و سیاست اینرا دارند که خون به جامعه بپاشند و حتی از این ابایی ندارند که جنگ داخلی راه بیندازند. باید تاکتیک و سیاست مناسب این اوضاع را در تقابل با خواست و سیاست جمهوری اسلامی در جامعه گسترش داد.

بنابر این مهمترین سلاح مردم معترض ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و خنثی کردن سناریوهای سیاه آنها و فلج کردن قدرت سرکوب و نیروی نظامی آن، گسترش اعتصابات عمومی و سراسری است. مردم با اعتصاب سراسری هم رژیم را فلج و متلاشی میکنند، هم امکان خون پاشیدن به انقلاب مردم را از او سلب

## تصویب لایحه "مقابله با تامین مالی تروریسم" خامنه ای جام زهر دیگری سرکشید!



چیپاول و جنایت و تروریسم نمیتواند به حیاتش ادامه دهد و به همین دلیل پایان دادن به تقویت و حمایت مالی از تروریستها و خشکاندن تروریسم نیز از مسیر سرنگونی حکومت اسلامی توسط مردم انقلابی در ایران می گذرد. جامعه ایران در التهاب سرنگونی جانیان اسلامی سرمایه میسوزد و هرروز در گوشه و کنار این کشور اعتصابات و اعتراضات و مقابله با حاکمین جریان دارد. گستردگی و سراسری شدن اعتصابات کارگری و خروش میلیونی مردم در میادین و خیابانهای ایران، حکم نهایی برای سرنگونی رژیم اسلامی بعنوان منشا تروریسم را صادر خواهد کرد.

۱۰ اکتبر ۲۰۱۸



همه چیز حاکی از آنست که بحران سیاسی و اقتصادی روزبروز شدیدتر و عمیق تر و شرایط زندگی اکثریت عظیمی از مردم هرروز وخیم تر و غیرقابل تحمل تر خواهد شد. مجموعه این عوامل شرایط بسیار مساعدی را برای تشدید و تعمیق و گسترش مبارزات جاری و نهایتاً شکل گیری اعتصابات عمومی و سراسری بوجود آورده است. حزب ما با تمام توان میکوشد این اعتصابات در ابعادی هر چه وسیعتر و پیگیرتر و سازمان یافته تر شکل بگیرد و ضربه کاری و نهائی را به نظام جمهوری اسلامی وارد کند.

دول اروپایی مملو از تعهدات در حرف و عدول در عمل بوده است. آنچه مهم است اینست که حکومت اسلامی در انزوای بین المللی زیر فشار جدی تری برای پیشبرد سیاستهای تروریستی اش قرار گرفته است و هرچند هم که بتواند محدودیتهای بین المللی برای پولشویی و تغذیه تروریستها را در عمل دور بزند اما انزوای بین المللی حکومت دست مردم سرنگونی طلب ایران برای عقب راندن آنرا بدرجائی بازر می کند. در واقع سرکشیدن هر جام زهری و هر گونه عقب نشینی خامنه ای را باید بر بستر خیزش انقلابی مردم در داخل کشور مورد ارزیابی قرار داد. خامنه ای و حکومت جانیان و قاتلان اسلامی حتی با دست کشیدن از شعار مرگ بر شیطان بزرگ و با کوتاه آمدن در حمایت مالی جریانات و باندهای تروریست اسلامی در هر گوشه جهان باز هم به حکم مردم به جان آمده ایران محکوم به سرنگون شدن هستند. این حکومت جز با

خواستهای مردم را ندارد. برای رژیم چاره ای بجز سرکوب و سرکوب بیشتر نمانده است اما در این شرایط و توازن قوا تشدید سرکوب تنها میتواند به آتش خشم مردم بیشتر دامن بزند. رژیم هنوز توان سرکوب دارد ولی توان ارباب مردم را از دست داده است. همانطور که رانندگان اعتصابی اعلام کرده اند سرکوب و بگیر و ببند تأثیری در مبارزه سراسری آنها نخواهد داشت. عملاً هم تا امروز خط نشان کشیدن و دستگیریها نتوانسته است مبارزات مردم را به عقب براند و حتی از گسترش آن جلوگیری کند.

مالی و تقویت تروریسم بکناری نهاده خواهد شد. دولت در ساختار حکومت اسلامی نهادی برای اجرای قوانین کپک زده اسلامی و دستورات ولی فقیه است. این طرح در ظاهر امر فقط برای قانع کردن دولتهای اروپایی در رابطه با مسئله تحریمهای آمریکا و غیره موضوعیت دارد نه چیز دیگری.

بند ناف حکومت اسلامی با ترور و تروریسم بسته شده است. حکومت اسلامی بدون ادامه دادن به تقویت و تولید تروریسم و بدون کمک مالی به باندها و جریانات تروریست اسلامی قادر به ادامه حیات خود نخواهد بود. علیرغم همه اینها تن دادن خامنه ای برای تصویب این لایحه در مجلس اسلامی چیزی جز عقب نشینی و سرکشیدن جام زهر دیگری نیست.

آمریکا و دول اروپایی طی چهار دهه اخیر مدام در تلاش برای همکاری و رام کردن حاکمان اسلامی بوده اند. تحریم های اخیر آمریکا که در ماه آبان شدیدتر خواهد شد و تاوان آنرا مردم زحمتکش و رنج دیده ایران دارند می پردازند، تنها برای افسار زدن به حکومت اسلامی از سوی آمریکا و غرب است. کارنامه حکومت اسلامی در مناسبات خارجی و دیپلماتیک با

که خود زمینه ساز جنبش دیماه بود و پس از آن ابعاد گسترده تر و رادیکال تری یافت، شرایط مساعدی برای شکل گیری اعتصابات سراسری و عمومی فراهم کرده است. اعتصاب عمومی در کردستان، اعتصاب پیگیر و سراسری کامیونداران و رانندگان کامیون و اعتصاب بازاریان حاصل این شرایط است. رژیم هم از نظر سیاسی و هم اقتصادی در بحران لاعلاجی دست و پا میزند و چشم اندازی برای تغییر شرایط انفجاری امروز و امکان پاسخگوئی حتی به ابتدائی ترین

این طرح از صافی مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام هم باید عبور کند. در صورت نشان دادن چراغ سبز خامنه ای به این دو نهاد بالای حکومت، لابد در آنجا هم نتایجی شبیه آنچه که در مجلس اسلامی بر این لایحه گذشت، طی خواهد شد.

حال این سؤال مطرح خواهد شد که آیا واقعا با تصویب این لایحه در مجلس، در خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت، کمک مالی حکومت اسلامی به باندها و شبکه های تروریستی خاتمه پیدا خواهد کرد یا نه؟ پاسخ به این سؤال منفی است.

حکومت اسلامی مواردی از کنوانسیونهای بین المللی را امضا کرده است که در عمل علیه همان کنوانسیونها به ایفای نقش پرداخته است. امضای کنوانسیون جهانی حقوق کودک که در نظام اسلامی جهنمی تمام معنا برای کودکان درست کرده است و کنوانسیون وین راجع به نمایندگی دولتها در روابط خود با سازمانهای بین المللی دو نمونه بسیار روشن از عدم تعهد حکومت اسلامی به این کنوانسیونها است.

اشتباه است کسی فکر کند که با پیوستن دولت به این کنوانسیون و تصویب آن، کمک

### عبدل کپریان

از ماهها قبل طرح بحث و بررسی لایحه "مقابله با تامین مالی تروریسم" (اف ای تی اف) مبنی بر اینکه آیا حکومت اسلامی به آن ملحق میشود یا نه یک معضل جدی حکومت و موضوعی جنجالی در میان مقامات و نهادهای حکومت اسلامی بوده است. تصویب این لایحه در مجلس اسلامی و تعهد حکومت به آن یکی از شروط دول اروپایی و آمریکا برای کاهش فشارها بر حکومت اسلامی بوده است. حتی چین و روسیه نیز بدون تصویب این لایحه برای ادامه مناسبات با جمهوری اسلامی با مشکل مواجه بودند. خامنه ای و کل حکومت با دولت و دیگر نهادهای آن اساساً از ابتدا مخالف تصویب این لایحه بودند و خامنه ای آنرا بعنوان "دستیخت" دشمنان اسلام نام برده بود اما بعد از مدتی بالاخره جام زهر را سرکشید و مجوز "بررسی" آنرا به مجلس داد و در واقع شکست و عقب نشینی مفتضحانه به نفع دشمنان را قبول کرد. با صدور مجوز بررسی این لایحه از سوی ولی فقیه، با ۱۴۳ رای موافق در مقابل ۱۲۰ رای مخالف در مجلس اسلامی لایحه کذابی به تصویب رسید.

### اعتصاب بازاریان و چشم انداز اعتصاب عمومی

از صفحه ۶

سراسری به نفع توده مردم و به ضرر حکومت تغییر داده است. بدنال این خیزش مبارزه دختران انقلاب علیه حجاب و آبارتاید جنسی، اعتراضات خانواده های زندانیان سیاسی، اعتراضات مالباختگان علیه دزدیهها و فساد مقامات، مبارزات سراسری معلمان و بازنشستگان، مبارزه توده مردم در اعتراض به شرایط غیر قابل تحمل محیط زیست، و بویژه اعتراضات و اعتصابات کارگری علیه فقر و گرانی و شرایط فلاکتبار معیشتی

حمید تقوایی: به نظر من شرایط عملی برای شکل گیری اعتصابات از هر زمان بیشتر فراهم شده است و اعتصابات که امروز شاهد هستیم طلایه های یک اعتصاب سراسری و عمومی هستند. از نظر سیاسی خیزش دیماه یک نقطه عطف تعیین کننده در اوضاع سیاسی جامعه بود. طنپین افکندن همزمان شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم در بیش از صد شهر شرایط عمومی جامعه و توازن قوا را در یک سطح

## اطلاعیه شماره ۱۶

## هجدهمین روز اعتصاب قدرتمند رانندگان کامیون

## اطلاعیه شماره ۱۵

## گسترش اعتصاب رانندگان کامیون به

## ۳۲۰ شهر

گفتمان اعتصاب سراسری را به عنوان يك شكل موثر و قدرتمند اعتراض در برابر كل جامعه قرار داده است. يك اتفاق مهم در شانزدهم مهر ماه، اعتصاب سراسری بازار است که بنا به آخرین گزارشها تاکنون حدود ۵۰ شهر را در بر گرفته است و محور اصلی اعتراض آنان، اعتراض به گرانی است. با شروع اعتصاب سراسری بازار، رانندگان کامیون خود را در موقعیت قویتری می بینند. در ادامه این اتفاقات بازنشستگان نیز برای ۲۴ مهر ماه فراخوان به تجمع بزرگ سراسری خود را داده اند. قبل از این حرکتها نیز اعتصاب سراسری کردستان صورت گرفت که مشخصا علیه اعدام سه فعال سیاسی رامین حسین پناهی و لقمان و زانبار مرادی و علیه اعدام بود.

اعتصابات قدرتمند رانندگان کامیون، کشیده شدن دامنه این اعتصاب به بخش های دیگر جامعه و به جریان افتادن گفتمان وسیع اعتصاب سراسری در سطح جامعه، جنبش سرنوشتی را گام مهمی به جلو برده است. کل این تحركات اجتماعی تأییدی بر اینست که اعتصاب عمومی يك راهکار مهم برای جلو بردن بیشتر اوضاع به نفع مبارزات كل جامعه است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از مبارزات و خواستههای رانندگان کامیون همگان را به پیوستن به کارزار برای آزادی رانندگان بازداشتی، کمک به صندوق اعتصاب رانندگان اعتصابی و همبستگی وسیع با مبارزات و خواستههای آنان فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ مهر ۱۳۹۷، ۱۹ اکتبر ۲۰۱۸



اعتصاب رانندگان کامیون علیرغم فشارهای جمهوری اسلامی هرروز در حال رشد و گسترش است. دیروز ۱۶ مهر اعتصاب رانندگان به ۳۲۰ شهر گسترش یافت. جمهوری اسلامی همچنان میکوشد که با ابزار تهدید و زندان و با شایعه پراکنی هایش در مورد پایان اعتصاب، رانندگان کامیون را از اعتراضاتشان عقب براند. اما رانندگان اعتصابی محکم ایستاده اند و اعتصاب آنان هر روز ابعاد وسیعتر و اجتماعی تری بخود میگیرد. بنا بر آخرین گزارشات در این مدت ۲۵۴ نفر دستگیر شده اند. رانندگان کامیون پیشبرد قدرتمند اعتصاب را يك گام مهم برای آزادی همکارانشان میدانند. رانندگان کامیون فراخوان به تشکیل صندوق اعتصاب داده اند، تا خانواده های رانندگان اعتصابی و بویژه خانواده های رانندگان دستگیر شده مورد حمایت قرار گیرند. ایجاد صندوق اعتصاب يك سنت پیشرو و مهم در اعتصابات است که بر همبستگی و اتحاد مستحکم اعتصاب کنندگان تأکید میگذارد.

يك خواست فوری رانندگان کامیون آزادی همکاران بازداشت شده شان است. گرانی فزاینده و افزایش هر روزه قیمت وسایل یدکی، حقوقهای چند بار زیر خط فقر و محرومیت از هر گونه تأمین، سیستم چپاول و دزدسالاری حاکم و شرکت های مافیایی حمل و نقل، ناامنی جاده ها و محرومیت از حق ایجاد تشکل مستقل از جمله موضوعات مورد اعتراض رانندگان کامیون است. حرکت آنها اعتراضی به گرانی و فقر و سیستم مافیائی و چپاول حاکم است که اکثریت مردم جامعه به آن اعتراض دارند و این اعتصاب به همین دلیل به اعتراض كل جامعه پیوند مستقیم دارد. رانندگان کامیون همه مردم را به همبستگی با مبارزاتشان فرا میخوانند.

اعتصاب رانندگان کامیون

رانندگان کامیون به همکارانشان در گروههای تلگرام اینست که گول وعده های دروغ را نخورند و اجازه ندهند که در صفوفشان شکاف ایجاد شود. هر گونه تزلزل مقدمه ای برای حمله گسترده تر به صفوفشان خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران و مردم را به حمایت فعال از اعتصاب رانندگان کامیون، کمک رسانی به صندوق اعتصاب این رانندگان و پیشبرد کارزاری گسترده برای آزادی رانندگان اعتصابی فرا میخواند. تمامی رانندگان بازداشتی باید فوراً آزاد شوند.

زنده باد رانندگان معترض و حق طلب!  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۹ مهر ۱۳۹۷، ۱۱ اکتبر ۲۰۱۸

اطلاعیه شماره ۱۴  
اعتصاب رانندگان کامیون به ۳۱۰ شهر رسید

شکوه مبارزاتی آنان را بیش از پیش به نمایش میگذارد.

.....  
رانندگان کامیون در دور اول اعتصاباتشان شوراهای هماهنگی اعتصاب خود را در شهرهای مختلف شکل دادند، حزب بر تقویت و تحکیم این شوراها و تشکیل صندوق های اعتصاب در تمام شهر تأکید دارد. تمامی رانندگان بازداشتی باید فوراً آزاد شوند. افزایش حقوقها به بالای خط فقر، درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای همه کودکان و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی زندانیان سیاسی خواستههای فوری همه مردم است. حق رانندگان کامیون است که از زندگی ای شایسته انسان برخوردار باشند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۵ مهر ۱۳۹۷، ۷ اکتبر ۲۰۱۸

جمهوری اسلامی در مقابله با این اعتصاب تا کنون حدود ۲۵۶ نفر از رانندگان کامیون را دستگیر کرده است. این دستگیریها در استانهای قزوین، البرز، اردبیل، اصفهان، فارس، سمنان، کرمانشاه، زنجان، همدان، خراسان شمالی، خراسان رضوی و شهرستان های نهاوند، بجنورد، کنگان، پاکدشت، نیشابور، شیروان، سندرچ، آذرشهر، گرگان، بندرگز، ایذه، رزن، هرسین، دالاهو، زرنده و شهرکرد بوده است. رانندگان اعتصابی به جرم هایی تحت عنوان "اخلال در نظم و امنیت" و "قطاع الطریق" بازداشت شده اند. ولی رانندگان کامیون اعلام کرده اند که تا پاسخ نگیرند به اعتصابشان ادامه خواهند داد و فشار و دستگیری نمیتواند مانع اعتصابشان شود. يك هشدار دائم

امروز ۱۸ مهر اعتصاب سراسری رانندگان کامیون ادامه دارد. همراه با اعتصاب در شهرهایی رانندگان با برپایی تجمع تلاش میکنند صدای اعتراضشان را به گوش همگان برسانند. از جمله در اصفهان، زرین شهر، مبارکه و لنجان رانندگان کامیون تجمعی برپا داشتند. تجمع رانندگان در اصفهان مقابل استانداری و مبارکه مقابل فرمانداری برگزار شد. رانندگان زرین شهر نیز در فلکه شهر تجمع کردند که نیروی انتظامی نیز از ترس گسترش اعتراض به شهر در محل حاضر شده بود. بنا به گزارشها تا امروز دامنه اعتصاب رانندگان کامیون و کامیونداران به بیش از ۳۲۰ شهر کشیده شده است. این اعتصاب از اول مهر ماه آغاز شده است.

## اطلاعیه شماره ۱۴

## اعتصاب رانندگان کامیون به ۳۱۰ شهر رسید

کامیون مرتبا با انعکاس خبری این تلاشها و توطئه ها و پخش فیلم و تصویر از گسترش اعتصاب خود در شهرهای مختلف میکوشند این توطئه ها را خنثی کنند. در عین رانندگان کامیون با رژه رفتن با کامیونهایشان در برخی شهرها و جاده ها و برپایی تجمعات سعی میکنند مردم را از ادامه اعتصابشان مطلع نگاهدارند. يك نمونه قدرتمند رژه رانندگان در روز ۱۴ مهر در شهر نجف آباد صورت گرفت. نیروهای انتظامی سعی کردند با بستن جاده مانع حرکت کامیون ها شوند اما موفق نشدند.

.....  
يك معضل رانندگان کامیون برای ادامه اعتصاب، مشکل مالی برخی از خانواده های رانندگان است. رانندگان کامیون در اقدامی هوشیارانه فراخوان به تشکیل "صندوق اعتصاب" داده اند. این اقدام همبستگی با

دو هفته از اعتصاب رانندگان کامیون میگذرد و دامنه آن به ۳۱۰ شهر رسیده است. جمهوری اسلامی با انواع و اقسام توطئه ها و تهدید و دستگیری شماری از رانندگان به مقابله با این اعتصاب برخاسته است. طی این مدت دستکم ۲۴۴ راننده کامیون بازداشت شده اند. اما رانندگان با ادامه قدرتمند اعتصابشان و گسترش آن به شهرهای دیگر برخاسته خود ایستادگی میکنند. رانندگان اعلام کرده اند تا رسیدن به خواستهها اعتصاب ادامه دارد و با قدرت اعتصاب خود همکارانشان را نیز آزاد میکنند. حکومت اسلامی تلاش میکند با پخش شایعه در مورد شکستن اعتصاب در این و آن شهر و یا به ایجاد صحنه های نمایشی از حمل بار و انعکاس آن در تلویزیون و رسانه های مختلف صفوف رانندگان اعتصابی را متزلزل نماید. اما رانندگان



## فراخوان به اعتصاب معلمان در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر بازنشستگان نیز برای ۲۴ مهر فراخوان تجمع داده اند

"کانون هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان" طی بیانیه ای در هجدهم مهرماه در اعتراض به گرانی، تورم، کاهش بی سابقه قدرت خرید معلمان شاغل و بازنشسته و فقیر سازی هر روز بیشتر آنان، به وضعیت آشفته آموزش و پرورش و پولی سازی و گسترش مدارس خصوصی و خارج ماندن کودکان بیشتری از چرخه تحصیل و بساط دزد سالاری و بعنوان مثال دزدی میلیاردهای از صندوق ذخیره فرهنگیان، تمام مدارس را به اعتصاب سراسری در روز یکشنبه و دو شنبه ۲۲ و ۲۳ مهر فراخوانده است. در این بیانیه ضمن اعلام غیر ممکن بودن ادامه این وضعیت فلاکت بار از معلمان خواسته شده است که با تشستن در دفاتر مدارس در کلاسهای درس حاضر نشوند. یک خطاب این فراخوان به خانواده ها و همه مردم است. زیرا بخش مهمی از اعتراض معلمان به وضعیت نابسامان آموزش و کالایی شدن آن و محرومیت کودکان از تحصیل رایگان است. افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۶ میلیونی، لغو مدارس خصوصی و تحصیل رایگان برای همه کودکان و ارائه آموزشی با

کیفیت و عادلانه در سطح کل جامعه، امن سازی مدارس، درمان رایگان، استخدام معلم به اندازه نیاز و از جمله استخدام فوری معلمان حق التدریس و برگرداندن شدن پولهای به سرقت رفته به صندوق ذخیره فرهنگیان رؤس خواستهای فوری آنها را تشکیل میدهد. برای ساعت ده صبح روز ۲۴ مهر ماه نیز بازنشستگان فراخوان به تجمع سراسری داده اند. بازنشستگان بر روی همان خواستهایی تاکید دارند که معلمان اعلام کرده اند. معلمان و بازنشستگان در طول چند سال اخیر تجمعات سراسری مشترک بسیاری داشته و پیگیر این خواستهها شده اند. اعتراض بازنشستگان به تبعیض ها، به حقوقهای نجومی، به دزدی ها و اختلاسها و به زندگی زیر خط فقر است و دو خواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر و درمان رایگان در راس خواستههایشان قرار دارد. فراخوان معلمان به دو روز اعتصاب و بدنبال آن تدارک تجمع سراسری روز ۲۴ مهر از سوی بازنشستگان و جلو آمدن هر روز بیشتر گفتمان اعتصاب سراسری بدنبال اعتصاب قدرتمند رانندگان کامیون و کامیونداران و همچنین

اعتصاب عمومی بازاریان و قبل از آن اعتصاب عمومی در کردستان اتفاقات مهمی در اوضاع سیاسی کنونی در ایران است. پیوستن معلمان به اعتصابات سراسری و تجمع سراسری بزرگ بازنشستگان بی تردید مبارزات کل جامعه را گامی جلوتر خواهد برد. این اتفاقات بطور واقعی جامعه را وارد فاز دیگری کرده و نشانگر تحرك مبارزاتی سازمانیافته و گسترده در سطح جامعه علیه جهنم جمهوری اسلامی است. سیر پرشتاب این اتفاقات، انقلاب مردم علیه کل این بساط توحش و بربریت را در چشم انداز نزدیکتری قرار داده است. حزب کمونیست کارگری تمام بخش های جامعه را به حمایت از اعتصاب و تحنص معلمان و تجمع سراسری بازنشستگان فرامیخواند. ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراض در شهرها و شوراهای مستقل کارگری و مردمی، گامی مهم در تدارک اعتصابات و اعتراضات سراسری در جهت جارو کردن کل بساط سرمایه داری حاکم است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۹ مهر ۱۳۹۷، ۱۱ اکتبر ۲۰۱۸

## روز جهانی معلم در چندین شهر برگزار شد

معلمان این روز را به همکاران خود تبریک گفتند. شرکت معلمان زندانی به صورت پیام در مراسم با شور و استقبال حاضرین همراه شد و شرکت کنندگان با شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "معلم دریند روزت مبارک" به آنان پاسخ دادند و از پیامشان حمایت کردند. در این مراسم خدیجه روشن ضمیر همسر محمد حبیبی سخنرانی کرد و در سخنانش روز جهانی معلم را تبریک گفت. او بر یک سیستم آموزش و پرورش شایسته تاکید کرد و خواستار آزادی معلمان زندانی و زندانیان سیاسی شد. بخش انتهایی این برنامه به تجلیل از خانواده های معلمان زندانی و نیز از خانم منصوره فرزادی بازنشسته ای که ۴۳ سال معلمی کرده است و اهدای

معلمان شاغل و بازنشسته امسال به اشکال مختلفی روز جهانی معلم را گرامی داشتند. در تهران به دعوت اتحاد بازنشستگان و با شرکت جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته و دیگر فعالین اجتماعی و خانواده های معلمان زندانی به مناسبت روز جهانی معلم مراسمی در "بوستان گفتگو" برگزار شد. در این مراسم شرکت کنندگان توانستند پیام سه تن از معلمان زندانی یعنی محمد حبیبی، اسماعیل عبیدی و محمود بهشتی را که از زندان تماس گرفتند بطور زنده بشنوند. این سه معلم زندانی بدین شکل در مراسم روز معلم در تهران حضور یافتند. محمد حبیبی، اسماعیل عبیدی و محمود بهشتی در پیامشان ضمن تاکید بر خواستههای

## چرا باید از اعتصاب سراسری کسبه ....

از صفحه ۹

تاکتیک را بهعهده بگیرد و سخنگو و رهبر لایق عبور دادن جامعه از این برزخ بشود. در غیر این صورت يك احتمال دیگر میتواند چنین باشد که خرده بورژوازی عاصی از سرکوبها حوصله اش سر برود و با خطاب کردن این اینکه فلان اعتصاب بورژوازی و آن یکی غیرکارگری و ارتجاعی و... است طبعاً در روزهای پایانی يك قیام مسلحانه چند روزه میتواند کار را تمام کند. اما تا آن روز و تا تلاشی کردن کل این دستگاه مخوف اسلامی قدرتمندترین سلاح جامعه اعتصاب عمومی و سراسری است. اعتصاب مغازه داران و کسبه و بازاریان کامیونداران و... را باید در این متن دید. خارج از نیت فراخوان دهندگان و مخالفین و موافقین این اعتصابات، باید این وجه سیاسی تعیین کننده مسیر سرنگونی رژیم را مد نظر قرار داد. این تنها شانس جامعه ایران است که جنبش کارگری بتواند سکان رهبری این سیاست و

میرماینند. راه مقابله با نیروی بیرحمی مانند سپاه و بسیج و نیروهای امنیتی آدم کش جمهوری اسلامی، ابتدا به ساکن مقابله مسلحانه نیست. راه مقابله با آنها گسترش اعتصابات عمومی و فلج کردن آن است. طبعاً در روزهای پایانی يك قیام مسلحانه چند روزه میتواند کار را تمام کند. اما تا آن روز و تا تلاشی کردن کل این دستگاه مخوف اسلامی قدرتمندترین سلاح جامعه اعتصاب عمومی و سراسری است. اعتصاب مغازه داران و کسبه و بازاریان کامیونداران و... را باید در این متن دید. خارج از نیت فراخوان دهندگان و مخالفین و موافقین این اعتصابات، باید این وجه سیاسی تعیین کننده مسیر سرنگونی رژیم را مد نظر قرار داد. این تنها شانس جامعه ایران است که جنبش کارگری بتواند سکان رهبری این سیاست و

۱۳ مهر روز جهانی معلم رفته بودند. یکی از چالش های مهم آنان اعتراض به امنیتی کردن مبارزات و بازداشت بودن اسماعیل عبیدی، محمود بهشتی و محمد حبیبی سه عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان و مشخصاً اعتراض به حکم وحشیانه شلاق و زندان برای محمد حبیبی بود. يك اعتراض معلمان به حقوقهای زیر خط فقر است که بصورت کلیههایی که در آن فیش های حقوقی شان را آتش میزنند، اعتراض خود را اعلام کرده و برخواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۶ میلیون تاکید کرده اند. در رابطه با همین موضوع روز دهم مهرماه معلمان در بجنورد در اعتراض به سطح نازل حقوقها دست به اعتصاب زدند و تجمع اعتراضی برپا کردند. هم اکنون زمزمه اعتصاب سراسری در میان معلمان بسیار است.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۵ مهر ۱۳۹۷، ۱۷ اکتبر ۲۰۱۸

در یزد جمعی از معلمان با نصب پارچه نوشته بزرگ گرامیداشت روز معلم در میدان امام حسین این شهر این روز را به همگان تبریک گفتند. همچنین در این روز جمعی از فعالین کارگری و مدنی و کوهنوردان گروه "پیشرو" برای گرامیداشت روز معلم و روز جهانی کودک که هشتم اکتبر است به قله رندوله شهرستان اشنویه صعود کردند و با پلاکاردهایی خواهان آزادی معلمان زندان شدند. از سوی دیگر به مناسبت روز جهانی معلم بیانیه هایی از سوی محمود بهشتی و اسماعیل عبیدی از درون زندان و همچنین از سوی کانون های صنفی معلمان و کانون نویسندگان منتشر شد. تحصیل رایگان، لغو مدارس خصوصی و کالایی شدن آموزش، و آزادی معلمان زندانی سه محور مهم مورد بحث در بیانیه ها و گفتمان های معلمان به مناسبت روز جهانی معلم بود.

معلمان از مدتی قبل با اعلام چالش های مبارزاتی شان به استقبال

# اعتصاب اعتصاب



## همه جا اعتصاب و تجمع

### زانیار دباغیان فعال کارگری باید فوراً آزاد شود

که با برپایی اعتصاب و تجمعات اعتراضی علیه گرانی و فساد و دیکتاتور مزدوران را به وحشت انداخته اند.

زانیار دباغیان فعال کارگری و کارگر شهرک صنعتی سنندج و کلیه کارگران و زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرطی آزاد شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۱۸ مهر ۱۳۹۷  
۱۰ اکتبر ۲۰۱۸

بیش از ۳۰۰ شهر در حال اعتصاب هستند و بازاریان و مغازه داران سنندج همگام در سطح سراسری دست به اعتصاب عمومی علیه حکومت اسلامی زده اند، اقدامی زیوانانه و بیمقاری است که در چند ماه گذشته با دستگیری فعالین کارگری و فعالین اجتماعی پیش برده است.

ایجاد فضای رعب و وحشت و دستگیری و شکنجه، سیاست همیشگی حکومت اسلامی بوده است. اما اینبار این مردم معترضند

زانیار دباغیان کارگر شهرک صنعتی در سنندج روز ۱۶ مهر در منزل شخصی اش توسط نیروهای امنیتی و نظامی حکومت اسلامی دستگیر شده است. طبق اخباری که در اختیار ما گذاشته شده خانواده زانیار دباغیان از محل نگهداری او بی اطلاع هستند و در مراجعات آنها به نیروهای امنیتی نتوانسته اند زانیار دباغیان را ملاقات کنند. دستگیری زانیار دباغیان فعال کارگری در روز ۱۶ مهر در شرایطی که که راننده های کامیون در

### کمپین نجات هوشمند علیپور:

## ادامه بازداشت هوشمند در اطلاعات سنندج و عدم

### دسترسی به وکیل

به وکیل و عدم امکان دیدار با خانواده بشدت ابراز نگرانی میکند و نگران توطئه های جمهوری اسلامی علیه جان برادرش است.

ما یک بار دیگر همه مردم ایران و جهان و همه سازمانهای مدافع حقوق انسان و احزاب و جریانات مختلف سیاسی را فرا می خوانیم که برای دفاع از هوشمند علیپور و محمد استاد قادر به کارزار جهانی نجات این دو فعال سیاسی بپیوندند.

کمپین نجات هوشمند علیپور  
۱۸ اکتبر ۲۰۱۸ - ۱۶ مهر ۱۳۹۷

و سپس به دادرسی شهر سقز اعزام خواهد شد. در همین حال بازپرس دادرسی سقز از هوشمند بازجویی بعمل آورده است. وکیل هوشمند می گوید که او تنها پس از انتقال هوشمند به دادرسی سقز می تواند با ایشان دیدار داشته باشد.

خانواده هوشمند و همچنین وکیل او شایعاتی مبنی بر اعدام هوشمند را رد می کنند. هه ژار علیپور برادر هوشمند که ساکن کاناداست می گوید که هوشمند چندین بار با اعضای خانواده اش در ایران تماس تلفنی داشته است. با اینحال او از عدم دسترسی هوشمند

طبق آخرین اطلاعاتی که دریافت کرده ایم جمهوری اسلامی همچنان هوشمند علیپور را در اطلاعات سنندج در بازداشت نگه داشته است و به او اجازه دیدار با وکیل و یا اعضای خانواده اش را نمی دهد. وکیلی که از جانب خانواده اختیار شده است ابتدا در تماس با اداره اطلاعات سنندج با خیر می شود که قرار است روز ۱۲ مهر هوشمند را به دادرسی شهر سقز اعزام کنند. قولی که عملی نمی شود. در حال حاضر گفته اند که هوشمند تا دو هفته دیگر در اطلاعات سنندج باقی خواهد ماند



... اگر دنیا بدست ما بود، اگر بدست کارگر و سوسیالیسم کارگری بود، هر چند دقیقه کودکی در سودان و بنگلادش و در گتو های پایتخت های دموکراسی و رفم از بی غذایی و بی دوابی نمیرد. اگر بدست ما بود غذا و پوشاک و مسکن و سواد و بهداشت و امنیت اقتصادی مانند هوایی که تنفس میکنیم رایگان و در دسترس بود. اگر بدست ما بود شکوفائی خلاقیت تک تک انسانها، و نه بقاء، به قانون اساسی جامعه تبدیل میشد. اینها همین امروز مقدور است. هیچ ابهامی در این مورد نباید داشت. قدرت تولید بشر امروز بجایی رسیده است که بقای مشقات اقتصادی و اجتماعی را دیگر به هیچوجه نمیتوان به چیزی جز مناسبات اجتماعی موجود ربط داد. فرمیسم همین را از چشم ما دور نگه میدارد. انتظار انسان را از تغییر پائین می آورد، اعتراض را ساکت میکند. سوسیالیسم کارگری در تلاش برای آزادی سیاسی و اصلاحات اجتماعی جنبشی قائم به ذات است ....

از "تفاوتهای ما" - منصور حکمت

**هانوفر: فراخوان به تجمع در حمایت از اعتصابات سراسری رانندگان کامیونها در ایران! روز شنبه ۱۳ اکتبر ۲۰۱۸**

اعتصابات سراسری رانندگان کامیونها چندین هفته است که در بیش از ۳۰۰ شهر ادامه دارد. در همبستگی با مبارزات رانندگان کامیونها و برای جلب بیشترین حمایتها از این اعتصابات روز شنبه ۱۳ اکتبر در مرکز شهر هانوفر آکسیون اعتراضی و میز اطلاعاتی دایر می باشد. از شما دعوت می کنیم در این تجمع اعتراضی شرکت کرده و از آن حمایت کنید.

زمان: روز شنبه ۱۳ اکتبر ۲۰۱۸

ساعت: ۱۶ تا ۱۸

مکان: مرکز شهر هانوفر - کروپکه Kröpke

تماس: 01778348592 ناصر کشکولی

حزب کمونیست کارگری ایران - واحد هانوفر







### گزارش و عکس از سومین روز حضور در نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت جمعه ۱۲ اکتبر ۲۰۱۸

امروز جمعه ۱۲ اکتبر سومین روز نمایشگاه جهانی کتاب در شهر فرانکفورت آلمان می باشد. امروز هم دست اندرکاران غرفه و چادر اطلاع رسانی ما از راس ساعت ۸ صبح در نمایشگاه حاضر شده اند در داخل سالن و در غرفه، شهناز مرتب و منیژه اتمای به سوالات بازدید کنندگان جواب می دهند. بحث و سوال در باره موضوعات و مسائل مرتبط با ایران ادامه دارد. بازدید کنندگان از غرفه با تماشای عکس پوسترها و ماتریال اطلاعاتی سوالاتی طرح می کنند که به آنها جواب داده میشود.

ر بیرون سالن و جلوی در ورودی چادر اطلاع رسانی دایر شده است. نوید محمد، علی مطمئن، مهد امین کمانگر و سیامک زارع به همراه تعدادی دیگر مشغول بحث و گفتگو با مراجعه کنندگان هستند. اطلاعاتی هایی به زبانهای آلمانی و فارسی پخش میشود. تصاویر و پوسترها، پویژه پوستر مربوط به اعتصابات رانندگان کامیون توجه ها را جلب کرده است. خبرنگار "ویکی پدیا" ضمن بازدید از چادر توجهش به پوستر اعتصاب رانندگان کامیون جلب شده و چند عکس تهیه کرد. وی گفت که این گزارش را در مدیای خود منتشر خواهد کرد.

روز چهارشنبه ۱۰ اکتبر ۲۰۱۸ در اولین روز بارگشایی نمایشگاه جهانی کتاب در شهر فرانکفورت آلمان، جمعی از مخالفین جمهوری اسلامی در اعتراض به اعدام ها و در اعتراض به حضور رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در این نمایشگاه، در جلوی در اصلی نمایشگاه دست به یک تجمع اعتراضی زدند. لازم به توضیح است که نمایشگاه جهانی کتاب از روز چهارشنبه ۱۰ تا ۱۴ اکتبر می باشد و مخالفین جمهوری اسلامی هم در نمایشگاه حضور دارند.

### انترناسیونال نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدیر: بهروز مهرآبادی  
ای میل: anternasional@yahoo.com  
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود